

بررسی تأثیر کمیته حسابرسی بر کیفیت حسابرسی با در نظر گرفتن نوع صنعت، ملاحظات حقوقی و تنوع جنسیتی

سیدرضا قاضی فینی^۱

زهرا ابراهیمیان مهدی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۷ تاریخ چاپ: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷

چکیده

کمیته حسابرسی از اجزای ارکان راهبردی بنگاه تلقی می‌شود و عاملی تعیین کننده در روند گزارشگری مالی است که اعتبار صورت‌های مالی حسابرسی شده را افزایش می‌دهد. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه تخصص صنعت حسابرس، تخصص کمیته حسابرسی و تنوع جنسیتی بر کیفیت حسابرسی (شواهدی از شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران) است برای دستیابی به این هدف نمونه‌ای متشکل از ۱۳۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ در نظر گرفته شد. در این راستا و با استفاده از نرم‌افزار EVIEWS نسخه ۱۰ و با استفاده از داده‌های ترکیبی و به روش رگرسیون خطی چند متغیره نسبت به آزمون فرضیه اقدام نمودیم که نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد که بین تخصص صنعت حسابرس و کیفیت حسابرسی رابطه مثبت یافت شد در حالی که بین تخصص حقوقی حسابرس و کیفیت حسابرسی تنوع جنسیتی کمیته حسابرس و کیفیت حسابرسی رابطه مورد تأیید قرار نگرفت.

واژگان کلیدی

تنوع جنسیتی، کمیته حسابرس، کیفیت حسابرسی، صنعت حسابرس

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نطنز، نطنز، ایران.

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد نطنز، نطنز، ایران.

پروژه‌های علمی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

بر اساس نظریه نمایندگی، بین مدیریت و مالکیت تضاد منافع وجود دارد. جدایی ویژگی‌های مالی و کنترل، موجب هزینه نمایندگی می‌شود که توسط رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران با توجه به عدم تقارن اطلاعاتی محقق می‌گردد. در واقع، بین نیاز سهامداران برای کنترل مدیران، با پیچیدگی سازمان رابطه مثبتی وجود دارد. این بدین معناست که سهامداران با توجه به وجود چندین سطوح سلسله مراتبی، برای نظارت بر عملکرد مدیران دچار محدودیت می‌شوند (ماسیمو^۱ و همکاران، ۲۰۱۴).

امروزه در برخی از کشورهای توسعه‌یافته، بسیاری از شرکت‌ها کمیته حسابرسی تشکیل داده‌اند تا نقش ناظر بر رویه‌ها و نحوه عمل حسابداری و گزارشگری مالی واحدهای اقتصادی را به عهده گیرد. تحول در محیط اقتصادی ایران نیز در سال‌های اخیر، به ویژه با افزایش خصوصی‌سازی و واگذاری شرکت‌های دولتی و نیز توسعه بازار سرمایه سبب شده است که راهبری شرکتی به عنوان سازوکار نظارتی بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گیرد. کمیته حسابرسی از اجزای ارکان راهبری شرکت تلقی می‌شود و عاملی تعیین‌کننده در روند گزارشگری مالی است که اعتبار صورت‌های مالی حسابرسی شده را افزایش می‌دهد. از طرف دیگر، شرکت‌ها و سهامداران برای نظارت دقیق‌تر بر زمینه‌هایی چون ریسک، جلوگیری از اتلاف منابع شرکت، صحت گزارشگری مالی و رعایت الزامات قانونی و مقرراتی، بر قضاوت اعضای کمیته حسابرسی اتکا می‌کنند (جامعی^۲ و همکاران، ۱۳۹۵).

کمیته حسابرسی به دلیل استقلال از هیئت‌مدیره واحد اقتصادی، سبب حفظ ارتباط بین هیئت‌مدیره واحد اقتصادی، حسابرسان مستقل و حسابرسان داخلی نیز می‌شود. ارتباط کمیته حسابرسی با حسابرسان، اطلاعاتی به هنگام درباره وضعیت مالی واحد اقتصادی و نیز اطلاعات لازم برای ارزیابی و دستکاری مدیریت در اختیار هیئت‌مدیره واحد اقتصادی قرار می‌دهد (علوی طبری^۳ و همکاران، ۱۳۸۹).

رسوایی‌های اخیر مالی در سطح جهان از اترون و ورلدکام در آمریکا تا پارلامات در اروپا، نگرانی‌هایی را در رابطه با قابلیت اتکای صورت‌های مالی ایجاد کرده است. درحالی‌که مسئولیت اصلی تهیه صورت‌های مالی بر عهده مدیریت شرکت است، اما در پی این وقایع انگشت اتهام به سوی حسابرسان نشانه رفته است تا جایی که عموماً از این وقایع به عنوان "شکست حسابرسی" یاد می‌شود و نقش کمیته حسابرسی در فرآیند گزارشگری مالی، توجه تدوین‌کنندگان مقررات را به طور فزاینده‌ای به خود جلب کرده است (کانسوئو و دفیونتنس، ۲۰۰۷).

نقش اصلی کمیته حسابرسی شرکت‌ها نظارت بر فرایند گزارشگری مالی شرکت‌ها است. با وجود اینکه کمیته‌ی حسابرسی قابل‌اتکاترین حفاظت‌ها را از منافع عمومی ارائه می‌کند اما بررسی‌ها و مطالعات پیشین پیرامون کمیته‌ی حسابرسی هم تنوع بسیار زیادی را در تخصص و مهارت اعضای کمیته‌های حسابرسی و هم فقدان تجربه و تخصص مالی کافی بسیاری از اعضای کمیته‌ها را در زمینه‌ی امور مالی و حسابداری نشان می‌دهند. اصلاحات اخیر کمیته‌ی حسابرسی شرکت‌ها، افزایش تعداد مدیران دارای تخصص مالی را به عنوان یک از ویژگی‌های برجسته در کمیته‌ی حسابرسی هدف قرار داده است (دایویدسان^۴ و همکاران، ۲۰۰۴).

1 Massimo

2 Jamei

3 Allavi Tabari

4 Davidson

جنسن و مک لینگ (۱۹۷۶) اظهار داشتند که حسابرسی، ابزار مهمی در کاهش هزینه‌های نمایندگی بین مدیران و سهامداران است. حسابرسی، ابزار نظارتی برای سهامداران محسوب می‌شود، زیرا حسابرسان موارد نادرست در صورت‌های مالی را گزارش می‌نمایند. به‌طور خلاصه اتصال بین حسابرسان و سهامداران است تا نشان دهد که مدیران به دنبال رفتارهای فرصت‌طلبانه نیستند. همچنین توجه به دوره تصدی حسابرس و حق‌الزحمه حسابرسی فاکتوری برای مؤسساتی که به دنبال کیفیت حسابرسی بالاتر هستند می‌باشد. به‌طور کلی هدف حسابرسان، حفاظت از منافع سهامداران در مقابل تحریفات و اشتباهات بااهمیت موجود در صورت‌های مالی است. حسابرسان به‌منظور حفظ اعتبار حرفه، شهرت حرفه‌ای خود و اجتناب از دعاوی قضایی علیه خود، به دنبال افزایش کیفیت حسابرسی هستند. اگرچه مسئولیت اصلی تهیه صورت‌های مالی بر عهده مدیریت شرکت است عموم این است که نبود استقلال و کیفیت ضعیف حسابرس موجب وقوع چنین وقایعی شده است. (لی^۱، ۲۰۰۷)

فرآیند حسابرسی در واقع یکی از راه‌های مشخص کردن اعتبار اطلاعات صورت‌های مالی است با رشد رقابت در حرفه، مؤسسات حسابرسی ضرورت ارائه خدمات خود با کیفیت هر چه بهتر به بازار را بیشتر دریافتند و برای رقابت بر پایه‌ای به‌غیر از حق‌الزحمه، مؤسسات حسابرسی به دنبال متفاوت کردن خدماتشان هستند. لذا کیفیت حسابرس از اهمیت ویژه‌ای نزد استفاده‌کنندگان برخوردار است. مهم‌ترین شاخص کمی اندازه‌گیری کیفیت حسابرس، اندازه موسسه حسابرسی است که این دو باهم رابطه مستقیم دارند، به‌طوری که هر چه اندازه موسسه حسابرسی بزرگ‌تر باشد، کیفیت حسابرسی هم بالاتر خواهد بود. در این تحقیق منظور از اندازه موسسه حسابرسی و دوره تصدی حسابرسی به‌عنوان معیار ارزیابی کیفیت حسابرسی استفاده خواهد شد (بادآور نهندی و تقی زاده خانقاه، ۱۳۹۲).

ویژگی‌های کمیته حسابرسی از جمله اندازه، تخصص، استقلال و تعداد جلسات می‌توانند بر اثربخشی کمیته حسابرسی تأثیرگذار باشد. اندازه کمیته حسابرسی عامل بسیار مهمی در فرایند گزارشگری مالی است و تأثیر بسزایی در کیفیت گزارشگری مالی دارد. اندازه کمیته حسابرسی موجب عملکرد بهتر و افزایش کیفیت گزارش‌های مالی می‌گردد (جانسون^۲ و همکاران، ۱۹۹۶)

مطالعات و مقررات موجود بیان می‌کنند که کارشناسان مالی کمیته حسابرسی احتمالاً مؤثرتر هستند و بنابراین بر کیفیت حسابرسی تأثیر مثبت می‌گذارند. با این حال، اطلاعات کمی در مورد دانش/تجربه دیگری که ممکن است برای اثربخشی کمیته حسابرسی که می‌تواند به یکپارچگی گزارش‌های مالی کمک کند، مهم باشد، شناخته‌شده است. دزورت و سالتریو (۲۰۰۱) اشاره کردند که پایگاه‌های دانش متفاوت اعضای کمیته حسابرسی منجر به تفاوت در قضاوت آن‌ها و روابط آن‌ها با حسابرسان می‌شود؛ بنابراین، این مطالعه تخصص صنعت کمیته حسابرسی و تخصص حقوقی AC را مورد بررسی قرار می‌دهد که تا حد زیادی در ادبیات و همچنین در توصیه‌های حاکمیت شرکتی موجود نادیده گرفته شده‌اند. (کریشان^۳ و همکاران، ۲۰۰۹)

نقش تخصص حقوقی و صنعتی در کمیته حسابرسی، علیرغم بحث رو به رشد در مورد اهمیت این ویژگی‌های کمیته حسابرسی، اشاره نمی‌کند. با این وجود، این مطالعه بیان می‌کند که تجربه صنعت کمیته حسابرسی مهم است زیرا درک برآوردهای حسابداری و نظارت حسابرس خارجی اغلب به درک عملیات شرکت (یعنی دانش صنعت) بستگی دارد.

1 Li

2 Johnson

3 Krishnan

به‌طور مشابه، اعضای کمیته حسابرسی با تجربه حقوقی می‌توانند نقش ارزشمندی در مقابله با خطرات دعوی قضایی و اقدام در هنگام وقوع تخلف ایفا کنند. به عبارت دیگر، انتظار می‌رود متخصصان حقوقی کمیته حسابرسی از پیامدهای مسئولیت قانونی که می‌تواند از ارائه نادرست صورت‌های مالی ناشی شود، کاملاً آگاه باشد. علاوه بر این، کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا شاهد توسعه چشمگیری در ساختار اقتصادی و اجتماعی ناشی از مدرنیزاسیون بودند. این کشورها شروع به درک ضرورت توسعه استعدادهای زن در سازمان‌ها تا سطح هیئت‌مدیره کرده‌اند (ترجسن^۱ و همکاران، ۲۰۰۹).

بنابراین، انگیزه‌های بررسی تأثیر تنوع جنسیتی AC بر کیفیت حسابرسی به شرح زیر است. انگیزه اول از مجموعه مقررات و توصیه‌های سیاستی اخیر در سراسر جهان ناشی می‌شود که برای افزایش مشارکت زنان در هیئت‌مدیره طراحی شده است. این توصیه‌ها بر این باور است که مدیران زن در نظارت بهتر عمل می‌کنند، زیرا نسبت به ریسک حساس‌تر هستند، قابل‌اعتمادتر از مردان هستند و استانداردهای اخلاقی سخت‌گیرانه‌تری دارند (لای^۲ و همکاران، ۲۰۱۷).

دوم، اگرچه نقش تنوع جنسیتی در هیئت‌مدیره در ادبیات انجام‌شده در کشورهای توسعه‌یافته بررسی شده است، اما کنجکاوی برای دانستن نقش زنان در چنین جامعه در حال توسعه و مردسالاری وجود دارد. سوم، تسلط بر شرکت‌های خانوادگی در نگرانی‌هایی را در مورد اثربخشی اعضای زن AC که اغلب با خانواده‌های کنترل‌کننده مرتبط هستند، ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر، اکثر مطالعات پرمخاطب بر تأثیر مثبت تنوع جنسیتی بر اثربخشی مدیران تأکید می‌کنند، زیرا به کیفیت درآمد بالاتر ترجمه می‌شود، سطح تعارض را کاهش می‌دهد و کیفیت افشاها را بهبود می‌بخشد. باین حال، در مورد اینکه آیا تنوع جنسیتی در صورت نقض معیار استقلال، مانند جایی که مدیران زن با صاحبان خانواده مرتبط هستند، همان تأثیر مثبت را دارد یا خیر، شواهدی وجود ندارد. (اورادی^۳ و درجزی، ۲۰۱۹)

یافته‌ها، به‌ویژه در رابطه با نقش تخصص صنعت کمیته حسابرسی، بازخورد ارزشمندی را به سیاست‌گذاران ارائه می‌دهد و می‌تواند ورودی ارزشمندی برای ارزیابی مقررات فعلی و در نظر گرفتن اصلاحات حاکمیتی آینده باشد. علاوه بر این، اگرچه بحث رو به رشد در مورد اهمیت تخصص حقوقی کمیته حسابرسی، همان‌طور که توسط کریشان، ون و ژائو (۲۰۱۱) در بازار ایالات متحده برجسته شده است، یافته‌های ما نشان می‌دهد که ممکن است این مورد در بازار در حال توسعه که در آن سیستم حقوقی وجود دارد، صادق نباشد. به دور از قوی بودن و جایی که خطر دادرسی کماکان کم است (یعنی جایی که عواقب قانونی تخلف ممکن است در مقایسه با بازارهای توسعه‌یافته نگرانی عمده‌ای نباشد). اگرچه این عوامل زمینه‌ای می‌تواند دلیل اصلی تفاوت بین نتایج این مطالعه و نتایج کریشان و همکاران باشد. از دیدگاه روش‌شناختی، چنین رویکرد مقطعی ممکن است به دلیل تعیین درون‌زای ویژگی‌های شرکت و متغیر وابسته، تخمین‌های مغرضانه‌ای ارائه دهد؛ بنابراین، ما از یک رویکرد داده‌های تابلویی برای مقایسه یک شرکت با خود در یک دوره زمانی متفاوت استفاده می‌کنیم. (وولدریج^۴، ۲۰۱۰)

1 Terjesen

2 Lai

3 Oradi

4 Wooldridge

با توجه به آنچه گفته شد و همچنین لزوم توجه به اهمیت رابطه کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی با در نظر گرفتن نوع صنعت، ملاحظات حقوقی و تنوع جنسیتی رابطه معنی داری دارند؟

مبانی نظری

کمیته حسابرسی

پشتوانه تشکیل کمیته حسابرسی را می توان در نظریه نمایندگی مشاهده کرد. بر اساس نظریه نمایندگی، سهامداران و بستانکاران درصدد کسب حداکثر سودمندی از مدیران هستند که به عنوان نماینده آنها انجام وظیفه می کنند. نقش اصلی کمیته حسابرسی شرکتها نظارت بر کیفیت گزارشگری مالی است. با وجود اینکه کمیته حسابرسی قابل اتکاترین حفاظت ها را از منافع عمومی ارائه می کند اما بررسی ها پیرامون کمیته حسابرسی هم تنوع بسیار زیادی را در تخصص و مهارت اعضای کمیته حسابرسی و هم نبود تجربه و تخصص مالی کافی بسیاری از اعضای کمیته را در زمینه امور مالی و حسابداری نشان می دهد. افزایش تعداد مدیران دارای تخصص مالی به عنوان یکی از ویژگی های برجسته در کمیته حسابرسی است (دیویدسان و همکاران، ۲۰۰۴).

یکی از مسئولیت های اصلی کمیته حسابرسی شرکت، بررسی چالش های عمده صورت های مالی و قضاوت های ایجاد شده در زمینه تهیه صورت های مالی، گزارش های میان دوره ای و بیانیه های رسمی مربوطه است. نوشتارهای دانشگاهی و اعلامیه های اخیر راهبری شرکتی نقش حیاتی کمیته های حسابرسی را در گزارشگری مالی شناسایی کرده است. در کشورهای پیشرو، کمیته حسابرسی در شرکتها تبدیل به ابزار مهمی شده است تا قابلیت اعتماد روند گزارشگری مالی را نظارت کند. کمیته حسابرسی به عنوان عاملی تعیین کننده در روند گزارشگری مالی عمل می کند. کمیته های حسابرسی اثربخش، موجب افزایش اعتبار صورت های مالی حسابرسی شده سالانه می شوند و اعضای آن با هیأت مدیره که مسئول حفظ منافع سهام داران است، همکاری کرده و در امر نظارت بر کیفیت و مطلوبیت صورت های مالی، حسابداری، حسابرسی و فرآیند گزارشگری مالی، به مدیریت در ایفای مسئولیت های خود یاری می رسانند (حساس یگانه و حسینی بهشتیان، ۱۳۸۱).

برای کمیته حسابرسی می توان چندین ویژگی از قبیل استقلال، تخصص، تلاش، اندازه، دوره تصدی و اثربخشی که می تواند بر بهبود فرآیند گزارشگری مالی مؤثر واقع شود را برشمرد. استقلال کمیته حسابرسی اغلب به عنوان ویژگی ضروری تأثیرگذار بر اثربخشی کمیته حسابرسی در فرآیند نظارت بر گزارشگری مالی در نظر گرفته می شود. تخصص و مهارت اعضای کمیته حسابرسی با اثربخشی کمیته حسابرسی رابطه تنگاتنگی دارد. تلاش کمیته حسابرسی در انجام وظایفش ویژگی دیگری است که با چندین شاخص بکار می رود. متداول ترین این شاخص ها تعداد جلسات کمیته در سال است (تختائی و همکاران، ۱۳۹۰).

تاریخچه کمیته های حسابرسی

در ایران نیز کمیته حسابرسی هیئت مدیره بورس اوراق بهادار تهران و مدیریت حسابرسی داخلی از سال ۱۳۸۷، با تدوین منشور کمیته حسابرسی، نظامنامه حسابرس داخلی، آئین نامه دبیرخانه کمیته و بازنگری در آئین نامه نظام راهبری شرکتی، فعالیت خود را آغاز کرده است. سازمان بورس اوراق بهادار نیز با در اختیار گذاشتن پیش نویس منشور کمیته حسابرسی و منشور فعالیت حسابرسی داخلی، از تمامی ناشران پذیرفته شده بورسی و فرابورسی خواسته است تا مشخصات رئیس

کمیته حسابرسی، دیگر اعضای این کمیته و مدیر حسابرسی داخلی شرکت را به این سازمان اعلام کنند. هدف کمیته حسابرسی هدف از تشکیل کمیته حسابرسی کمک به ایفای مسئولیت نظارتی هیئت مدیره و بهبود آن به منظور کسب اطمینان معقول از موارد زیر است (سازمان بورس اوراق بهادار، ۱۳۹۱).

اثربخشی فرآیندهای نظام راهبری، مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی، ۲- سلامت گزارشگری مالی، ۳- اثربخشی حسابرسی داخلی، ۴- استقلال حسابرس مستقل و اثربخشی حسابرسی مستقل و ۵- رعایت قوانین، مقررات و الزامات مسئولیت کمیته حسابرسی کمیته حسابرسی بخش اساسی فرآیند گزارشگری مالی شرکت‌هاست. مسئولیت اصلی آن نظارت بر سلامت رویه‌ها و کنترل‌های گزارشگری مالی اعمال‌شده توسط مدیریت در راستای حمایت از حقوق صاحبان سهام و سایر ذینفعان است که به نیابت از هیات مدیره صورت می‌گیرد. کمیته‌های حسابرسی از طریق نظارت مؤثر و آگاهانه نقش ارزشمندی را در کمک به جلب اعتماد بازار به گزارشگری مالی باکیفیت بالا ایفا می‌کنند؛ و یکی از حلقه‌های اصلی زنجیره ارزش گزارشگری شرکت، محسوب می‌شود (سازمان بورس اوراق بهادار، ۱۳۹۱).

وظایف کمیته حسابرسی

از جمله وظایف کمیته حسابرسی، کمک به انتخاب حسابرس، مدیریت فرایند کار حسابرسی، کمک به اعضای هیئت مدیره در درک بهتر نتایج حسابرسی و همکاری با مدیریت و حسابرس مستقل در حل مشکلات کنترل داخلی یا نقاط ضعف مشخص شده طی عملیات حسابرسی است. کمیته‌های حسابرسی باید به شیوه صحیحی سازمان‌دهی شوند و مورد استفاده قرار گیرند، در این صورت، این کمیته‌ها می‌توانند برای کلیه گروه‌های علاقه‌مند، منافع چشمگیری داشته باشند. کمیته‌های حسابرسی می‌توانند وظیفه مباشرت گزارشگری هیئت مدیره را تقویت کنند، همچنین می‌توانند ارتباط بین حسابرس مستقل و مدیریت را بهبود ببخشند و میزان استقلال حسابرس را از طریق خدمت کردن به عنوان سپر بین حسابرس و مدیریت افزایش دهند. همچنین کمیته حسابرسی به مؤدیان مالیاتی و اعتباردهندگان کمک می‌کنند تا مطمئن شوند منافع آن‌ها در اثر انجام حسابرسی به حداکثر می‌رسد. (اعتمادی^۱ و همکاران، ۲۰۱۲)

از سوی دیگر، ویژگی‌های مختلف کمیته حسابرسی شامل: تخصص مالی، استقلال، اندازه و ... می‌توانند بر اثربخشی کمیته حسابرسی اثر بگذارند. مطالعات پیشین نشان می‌دهد که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی به آن‌ها کمک می‌کند که به طور مؤثرتر بر فرآیند گزارشگری مالی نظارت کنند. ابوت و پارکر (۲۰۰۰) به این نتیجه رسیدند که کمیته حسابرسی مستقل، قابلیت اطمینان بیشتری را در خصوص گزارش‌های مالی حسابرسی شده توسط مؤسسات حسابرسی فراهم می‌کند. آنان بیان کردند که حسابرسان مستقل به مدت طولانی، می‌توانند ارتباطی پایدار با کمیته حسابرسی مستقل ایجاد نمایند که ایجاد و حفظ این ارتباط، موجب بهبود و ارتقای مؤثرتر خدمات آن‌ها می‌گردد. به این صورت که حسابرسان مستقل دارای حمایت کامل‌تری از سوی کمیته حسابرسی مستقل خواهند بود. میکس نر و ویلکر (۱۹۸۸) بیان کردند که تعامل بین کمیته حسابرسی و حسابرس مستقل در صورت همکاری، به افزایش و توسعه این همکاری کمک می‌نماید. به عبارت دیگر، به احتمال زیاد کمیته حسابرسی به منظور حمایت یکسان از حسابرسان تا زمانی مؤثر است که حسابرسان گزارش‌های مالی را باکیفیت بالاتری ارائه می‌دهند. (بدارد^۲ و همکاران، ۲۰۰۴)

1 Etemadi

2 Bedard

اثربخشی کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی

از جمله وظایف کمیته حسابرسی، کمک به انتخاب حسابرس، مدیریت فرایند کار حسابرسی، کمک به اعضای هیئت مدیره در درک بهتر نتایج حسابرسی و همکاری با مدیریت و حسابرس مستقل در حل مشکلات کنترل داخلی یا نقاط ضعف مشخص شده طی عملیات حسابرسی است. کمیته‌های حسابرسی باید به طرز صحیح سازمان‌دهی شوند و مورد استفاده قرار گیرند، در این صورت، این کمیته‌ها می‌توانند برای کلیه گروه‌های علاقه‌مند، منافع چشمگیری داشته باشند. کمیته‌های حسابرسی می‌توانند وظیفه مباشرت گزارشگری هیئت مدیره را تقویت کنند، همچنین می‌توانند ارتباط بین حسابرس مستقل و مدیریت را بهبود ببخشند و میزان استقلال حسابرس را از طریق خدمت کردن به‌عنوان سپر بین حسابرس و مدیریت افزایش دهند. همچنین کمیته حسابرسی به مؤدیان مالیاتی و اعتباردهندگان کمک می‌کند تا مطمئن شوند منافع آن‌ها در اثر انجام حسابرسی به حداکثر می‌رسد (علوی طبری و عصابخش، ۱۳۸۹).

از سوی دیگر ویژگی‌های مختلف کمیته حسابرسی شامل: تخصص مالی، استقلال، اندازه و... می‌توانند بر اثربخشی کمیته حسابرسی اثر بگذارند. مطالعات پیشین نشان می‌دهد که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی به آن‌ها کمک می‌کند که به‌طور مؤثرتر بر فرآیند گزارشگری مالی نظارت کنند (کریشان و ویسواناتان، ۲۰۰۸). ابوت و پارکر (۲۰۰۰) به این نتیجه رسیدند که کمیته حسابرسی مستقل، قابلیت اطمینان بیشتری را در خصوص گزارش‌های مالی حسابرسی شده توسط مؤسسات حسابرسی فراهم می‌کند. آن‌ها بیان کردند که حسابرسان مستقل به مدت طولانی، می‌توانند ارتباطی پایداری با کمیته حسابرسی مستقل ایجاد نمایند که ایجاد و حفظ این ارتباط، موجب بهبود و ارتقا مؤثرتر خدمات آن‌ها می‌گردد. به این صورت که حسابرسان مستقل دارای حمایت کامل‌تری از سوی کمیته حسابرسی مستقل خواهند بود. میکس نر و ویلکر (۱۹۸۸) بیان کردند که تعامل بین کمیته حسابرسی و حسابرس مستقل در صورت همکاری، به افزایش و توسعه این همکاری کمک می‌نماید. به عبارت دیگر، به احتمال زیاد کمیته حسابرسی به‌منظور حمایت یکسان از حسابرسان تا زمانی که حسابرسان گزارش‌های مالی را با کیفیت بالاتری ارائه می‌دهند، مؤثر است. چنانچه مشکلات نمایندگی شدیدتر شود، تئوری نمایندگی پیش‌بینی می‌کند که مدیریت جهت اطمینان از کیفیت گزارشگری مالی به سهامداران، نظارت بالاتری را بر کیفیت صورت‌های مالی، تقاضا خواهد کرد. علاوه بر این، تأثیرات متقابل کمیته حسابرسی با کیفیت حسابرس مستقل، فرصت‌هایی را به‌منظور درک این که آیا حسابرس از نظر درستکاری و بی‌طرفی جهت محدود نمودن رفتار مدیریت فرصت طلب همچون مدیریت سود، تأیید می‌شود یا خیر، به وجود می‌آورد. در نتیجه، کمیته حسابرسی باید منجر به کیفیت بالای حسابرسان مستقل گردد (لین^۱ و همکاران، ۲۰۱۰).

کیفیت حسابرسی

در سطح جامعه این تصور وجود دارد که تأیید کیفیت حسابرسی توسط محیط اقتصادی، برای تداوم فعالیت بلندمدت مؤسسات حسابرسی بسیار حیاتی است و آینده حرفه حسابرسی تا حد فراوانی به کیفیت حسابرسی بستگی دارد. همچنین، ادجا می‌شود که کیفیت، یک مؤلفه اساسی برای رقابت بین مؤسسات حسابرسی است؛ اما به‌واقع "کیفیت حسابرسی چیست؟ واقعیت این است که تلاش‌های زیادی برای ارائه تعریفی از کیفیت حسابرسی در گذشته انجام شده است، اما هیچ‌کدام از آن‌ها به ارائه تعریفی که جهان‌شمول باشد و مورد قبول همگان قرار گیرد، منجر نشده است.

کیفیت حسابرسی اساساً یک مفهوم پیچیده و چندبعدی است (LAASB، ۲۰۱۴) به جای تعریف کیفیت حسابرسی می‌توان ویژگی‌ها، رفتارها یا شاخص‌های کیفیت حسابرسی را برشمرد (IOSCO، ۲۰۰۹). برداشت از کیفیت حسابرسی در میان گروه‌های استفاده‌کنندگان متفاوت است؛ زیرا سطح هرکدام از آن‌ها از میزان دخالت مستقیم پر فرآیند حسابرسی تأثیر می‌پذیرد که از طریق آن می‌توان اقدام به ارزیابی کیفیت حسابرسی کرد. نکته مهم دیگر این است که برای تعریف کیفیت حسابرسی باید به ذینفعان قم توجه داشته باشیم. تنوع دیدگاه ذینفعان در خصوص کیفیت حسابرسی بیانگر این است که نباید یک مؤلفه خاصی را عامل اثرگذار اصلی بر کیفیت حسابرسی معرفی کنیم؛ بنابراین، مطالعه جامع کیفیت حسابرسی مستلزم درک وسیع‌تر و عمیق‌تر از پیچیدگی‌ها و ظرافت‌های این موضوع است.

تعریف کیفیت حسابرسی

کیفیت حسابرسی از کیفیت حسابرسی تعریف‌های گوناگونی کرده‌اند. در ادبیات حرفه‌ای کیفیت حسابرسی در رابطه با میزان رعایت استانداردهای حسابرسی مربوطه تعریف می‌شود. در مقابل پژوهشگران حسابداری ابعادی چندگانه برای کیفیت حسابرسی قائل‌اند و این ابعاد اغلب به تعاریفی که ظاهری متفاوت دارند منجر می‌شود. عمومی‌ترین تعریف‌ها از کیفیت حسابرسی عناصر زیر را در برمی‌گیرد:

- احتمال وجود اشتباهات عمده در صورت‌های مالی که حسابرسان بتواند آن‌ها را کشف و گزارش کند
- احتمال این که حسابرسان برای صورت‌های مالی حاوی اشتباهات بااهمیت گزارش مشروط صادر نکنند.
- سنجش‌ای برای توان حسابرسی در کاهش اشتباهات و تحریفات جانبدارانه و بهبود کیفیت داده‌های حسابداری
- دقت اطلاعاتی که حسابرسان درباره آن‌ها گزارش صادر کرده است. تعاریف مذکور درجات متفاوتی از ابعاد شایستگی و استقلال حسابرسان در انجام حسابرسی استقلال واقعی و همچنین چگونگی درک استفاده‌کنندگان از استقلال آن‌ها را در برمی‌گیرند (علوی طبری و همکاران، ۱۳۸۸).
- اگرچه کیفیت درک شده حسابرسی می‌تواند با کیفیت واقعی حسابرسی مرتبط باشد اما لزوماً یکسان نیست؛ بنابراین، حسن شهرت و مراقبت حرفه‌ای برای حفظ ویژگی‌های واقعی کیفیت حسابرسی و کیفیت درک شده استفاده می‌شود. به‌علاوه، باید در نظر داشت که مراقبت حرفه‌ای حسابرسان کیفیت اطلاعات صورت‌های مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد درحالی که حسن شهرت حسابرسان چگونگی درک ذی‌نفعان از اطلاعات مذکور را متأثر می‌سازد.

نوع صنعت

تخصص مدیران در صنعت در بحث حاکمیت شرکتی در آخرین بحران مالی (۲۰۰۸-۲۰۰۹) در خط مقدم بحث قرار گرفت. به‌عنوان مثال، سیتی‌گروپ کمبود کارشناسان مالی و سرمایه‌گذاری در هیئت‌مدیره خود داشت که تأثیر نامطلوب قابل‌توجهی بر کاهش عظیم ارزش دارایی‌های مرتبط با وام مسکن داشت. مطابق با گزاره نظریه نمایندگی، استدلال شده است که تخصص صنعت مدیران را قادر می‌سازد تا عملکرد شرکت و شرایط مالی را بهتر درک کنند، اطلاعات مربوطه را بهتر تجزیه و تحلیل کنند و بنابراین نقش نظارتی بهتری را ارائه دهند (وانگ و همکاران، ۲۰۱۵). اشاره کردند که تخصص صنعت ممکن است به اعضای کمیته حسابرسی در تقویت شایستگی‌های نظارتی خود که منجر به نظارت مؤثر بر فرآیند گزارشگری مالی شرکت می‌شود کمک کند. (وانگ، ژو و ژو، ۲۰۱۵)

علاوه بر این، از آنجایی که صورت‌های مالی معمولاً حاوی تخمین‌های متعددی هستند، تخصص صنعت احتمالاً به کمیته حسابرسی کمک می‌کند تا برآوردهای خاص صنعت را درک و ارزیابی کند (کوهن^۱ و همکاران، ۲۰۱۴). به‌عنوان مثال، تعهدات گارانتی مربوط به صنعت و مشخصات محصول است؛ بنابراین، تخصص صنعت برای اطمینان از صحت برآورد گارانتی ضروری است. کوهن و همکاران (۲۰۱۴) به این نتیجه رسیدند که تخصص صنعت، در مقایسه با فقدان چنین تخصص، سطح بالاتری از کیفیت حسابرسی را طلب می‌کند و در نتیجه هزینه‌های حسابرسی بالاتری را به همراه خواهد داشت.

از سوی دیگر، تخصص صنعت کمیته حسابرسی نشان می‌دهد که اعضای کمیته حسابرسی تجربه مشابهی را با مدیریت به اشتراک می‌گذارند. این امر ممکن است مدیران را نسبت به چالش‌ها و مشکلات پیش روی مدیران بیشتر دلسوز کند و در نتیجه نقش نظارتی ضعیف و رفتار نامطلوب‌تر مدیران را به همراه داشته باشد. در همین راستا، تجربه قبلی در صنعت یک شرکت ممکن است به‌طور بالقوه درجه جدایی مؤثر بین مدیران و مدیریت را کاهش دهد، زیرا ممکن است دوستان و آشنایان مشترکی از داخل صنعت داشته باشند، به دلایل مرتبط با کار به یک حلقه اجتماعی تعلق داشته باشند یا مسیریابی را در حرفه خود متقابل کرده‌اند (وانگ^۲ و همکاران، ۲۰۱۵). این استدلال می‌تواند بیشتر مربوط به جوامع کوچکی باشد که در آن همه شرکت‌های فهرست شده در یک شهر مستقر هستند و افراد دارای روابط اجتماعی قوی هستند.

ملاحظات حقوقی

شرکت‌ها می‌توانند مدیرانی را با تخصص حقوقی برای مقابله با خطرات دعوی قضایی و رسیدگی به مسائل حقوقی خاص منصوب کنند (کریشنان و همکاران، ۲۰۱۱). از آنجایی که مدیران دارای تخصص حقوقی مسئولیت حقوقی ناشی از اطلاعات باکیفیت پایین را درک می‌کنند، نسبت به آن هوشیارتر خواهند بود و بنابراین انتظار می‌رود که توجه و علاقه طبیعی آن‌ها به ریسک حقوقی و حمایت بیشتر باشد. «به انطباق و کنترل‌های داخلی» (لانگورت^۳، ۲۰۰۷) کریشنان و همکاران (۲۰۱۱) استدلال کرد که کمیته حسابرسی با یک کارشناس حقوقی به دلیل حساسیت آن‌ها به خطرات دعوی قضایی و به دلیل اینکه مسئولیت نظارت بر گزارشگری مالی و فعالیت‌های حسابرسی را بر عهده دارند، به‌ویژه بر روی بدهی‌های ناشی از تحریفات متمرکز خواهند شد؛ بنابراین، درحالی که انتظار می‌رود همه مدیران باید نگران خطر دعوی قضایی ناشی از صورت‌های مالی نادرست یا گمراه‌کننده باشند. کارشناس حقوقی به‌ویژه به‌احتمال زیاد نسبت به آن حساس‌تر است. شرکت‌ها می‌توانند وکیل-مدیران را نه برای بهبود مستقیم کیفیت صورت‌های مالی، بلکه برای رسیدگی به مسائل حقوقی خاص مربوط به ثبت اختراع، ادغام و تملک منصوب کنند. در این مورد، یک وکیل-مدیر می‌تواند به‌طور غیرمستقیم در افزایش کیفیت حسابرسی از طریق پرس‌وجو و پرسش کمک کند و نظارت مستقیم را انجام دهد، حتی اگر مشاوره حقوقی رسمی ارائه نکند (کریشنان و همکاران، ۲۰۱۱). علاوه بر این، کریشن و همکاران (۲۰۱۱) پیشنهاد می‌کند که اگرچه شرکت‌ها معمولاً دارای وکیل شرکتی (اعم از مشاور داخلی یا خارجی) برای اطمینان از رعایت قوانین هستند. مدیران وکیل در یک کمیته حسابرسی نظارت قوی‌تری نسبت به وکیل شرکت ارائه می‌دهند، زیرا آن‌ها افراد مستقل هستند و کارمندان شرکت نیستند.

1 Cohen

2 wang

3 Langevoort

از سوی دیگر، به‌عنوان بخشی از وظایف خود، اعضای کمیته حسابرسی باید بر فرآیند حسابرسی نظارت کنند، با حسابرسان ارتباط برقرار کرده و با آنها ملاقات کنند تا در مورد مسائل مربوط به حسابرسی بحث کنند و برای حل اختلافاتی که ممکن است بین مدیران و حسابرسان ایجاد شود، مداخله کنند؛ بنابراین، پیشینه حسابداری و مالی برای اعضای کمیته حسابرسی مهم است تا وظایف خود را به‌درستی انجام دهند. کارشناسان حقوقی کمیته حسابرسی معمولاً سابقه حسابداری ندارند و در نتیجه احتمالاً در ایفای نقش نظارتی مؤثر شکست خواهند خورد.

تنوع جنسیتی

علیرغم توسعه ساختار اقتصادی و اجتماعی ناشی از مدرنیزاسیون، تبعیض علیه زنان در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا همچنان یک چالش است. زنان در این کشورها از وضعیت نابرابر رنج می‌برند و مشارکت آنها در بازار کار هنوز به ۲۳ درصد می‌رسد. تفاوت بین جنسیت‌ها به‌طور گسترده در ادبیات مستند شده است، مطالعات نشان می‌دهد که حضور زنان در هیئت‌ها فرآیند نظارت را بهبود می‌بخشد و منجر به هیئت‌های مؤثرتر می‌شود مدیران زن سیستم حاکمیت شرکتی را تقویت می‌کنند، کیفیت افشا را بهبود می‌بخشند، بهبود کیفیت سود، کاهش احتمال نکول وام و هزینه بدهی (عثمان، ژانگ، مکی و خان، ۲۰۱۹) و کاهش سطح درگیری (دامک، ۲۰۱۸).

به‌طور خاص، کارگردانان زن عموماً ریسک‌گریزتر از مردان در نظر گرفته می‌شوند و در نتیجه تصمیمات محافظه‌کارانه‌تری اتخاذ می‌شود. آنها همچنین نسبت به مردان قابل‌اعتمادتر در نظر گرفته می‌شوند، بنابراین احتمال کمتری برای دستکاری صورت‌های مالی وجود دارد. علاوه بر این، زنان نسبت به مردان نسبت به زیان‌ها حساس‌تر هستند، با توجه بیشتر به مدیریت ریسک و همچنین نشانه‌ای از انحراف از تابلوهای معمولی مردانه است که می‌تواند تنوع اطلاعاتی و اجتماعی را به همراه داشته باشد. بر این اساس، طرز فکر محافظه‌کارانه و رهبری اخلاقی زنان ممکن است محیط کنترل داخلی را بهبود بخشد و به استانداردهای محافظه‌کارانه‌تر و بالاتر گزارشگری مالی کمک کند (هو، لی، تام و ژانگ، ۲۰۱۵).

در این راستا، اورادی و درجی (۲۰۱۹) رابطه بین حضور اعضای زن در کمیته حسابرسی و بروز تجدید آرائه‌های مالی را بررسی کردند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که تنوع جنسیتی کمیته حسابرسی احتمال استخدام حسابرسان باکیفیت بالاتر را افزایش می‌دهد و بنابراین، احتمال آرائه مجدد را کاهش می‌دهد. این یافته بالای و همکاران همخوانی دارد. زنان در کمیته حسابرسی در ایالات‌متحده با تقاضای تلاش بیشتر حسابرسی و با انتخاب حسابرسان باکیفیت بالا به کیفیت حسابرسی کمک می‌کنند. (اورادی و درجی ۲۰۱۹)

با توجه به اهمیت تنوع جنسیتی در هیئت‌مدیره، بسیاری از کشورها آن را به‌عنوان یکی از جنبه‌های کلیدی سیستم حاکمیت شرکتی می‌شناسند. در نتیجه، برخی از کشورها سهمیه‌های اجباری را تعیین کردند (تعداد حداقلی صندوق‌های مدیران را که باید به زنان اختصاص داده شود) در حالی که برخی دیگر صرفاً توصیه‌ها و دستورالعمل‌هایی را برای تنوع جنسیتی ارائه کردند. با این حال، اگرچه توافق گسترده‌ای وجود دارد که تنوع جنسیتی در هیئت‌مدیره باعث بهبود عملکرد آن می‌شود، برخی شواهد از ادبیات مدیریتی و رفتاری نشان‌دهنده نقش نامطلوب تنوع جنسیتی در کار تیمی است. موساکوفسکی^۱ و همکاران (۲۰۰۰) پیشنهاد کردند که اعضای جنسیت‌های مختلف تمایل کمتری به برقراری ارتباط دارند زیرا احتمال کمتری دارد که نظرات یکسانی داشته باشند. به‌طور مشابه، تاجفل و ترنر (۲۰۰۴) پیشنهاد

کردند که گروه‌هایی که دارای تنوع جنسیتی هستند کمتر همکاری می‌کنند و درگیری‌های عاطفی بالاتری را تجربه می‌کنند. علاوه بر این، برخی ادبیات نشان می‌دهند که تنوع جنسیتی با سطوح بالاتر تعارض و تأخیر در تصمیم‌گیری مرتبط است. آدامز و فریرا (۲۰۰۹) گزارش کردند که تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره به‌طور منفی با عملکرد مالی مرتبط است. این یافته با این استدلال سازگار است که نظارت بیش از حد هیئت‌مدیره می‌تواند برای ارزش سهامداران مضر باشد (آدامز و فریرا، ۲۰۰۷).

پیشینه داخلی

زرین ساز و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی "بررسی تأثیر اثربخشی کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی بر کیفیت افشای داوطلبانه" پرداخته‌اند. افشای اختیاری اطلاعات منجر به کارایی بازار سرمایه شده و اعتماد سهامداران به شرکت را افزایش می‌دهد. اثربخشی کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی می‌تواند کیفیت افشای اختیاری را بهبود ببخشند. پژوهش حاضر به بررسی تأثیر اثربخشی کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی بر کیفیت افشای داوطلبانه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی بوده و از بعد روش‌شناسی همبستگی از نوع علی (پس رویدادی) می‌باشد. با استفاده از روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک، ۱۲۰ شرکت به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب‌شده در دوره‌ی زمانی ۶ ساله بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ مورد بررسی قرار گرفتند. روش مورد استفاده جهت جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای بوده و داده‌های مربوط برای اندازه‌گیری متغیرها از سایت کدال و صورت‌های مالی شرکت‌ها جمع‌آوری شده و در Excel محاسبات اولیه صورت گرفته سپس برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از نرم‌افزار استاتا استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که اندازه موسسه حسابرسی بر کیفیت افشای داوطلبانه تأثیر دارد. ولی دوره تصدی حسابرس و حق‌الزحمه حسابرسی بر کیفیت افشای داوطلبانه تأثیر ندارند. تخصص مالی کمیته حسابرسی بر کیفیت افشای داوطلبانه تأثیر ندارد. تجربه کمیته حسابرسی بر کیفیت افشای داوطلبانه تأثیر ندارد. استقلال کمیته حسابرسی بر کیفیت افشای داوطلبانه تأثیر ندارد.

ودیدی نوقایی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی "بررسی نقش تعدیل‌گر کیفیت حسابرسی بر ارتباط بین اثربخشی کمیته حسابرسی و مدیریت سود" پرداخته‌اند. رسوایی اخیر شرکت‌های بزرگ موجب نگرانی عمومی در یکپارچگی اطلاعات منتشرشده در بازار سرمایه و عملکرد اخلاقی در فرایند گزارشگری مالی شده است. کمیته حسابرسی به‌عنوان یکی از کمیته‌های فرعی از هیئت‌مدیره و جزئی ضروری از ساختار اثربخش کنترل داخلی شرکت به حساب آمده و همچنین وظیفه بااهمیتی از طرف سهامداران جهت نظارت بر فرایند گزارشگری مالی و حسابرسی داخلی و همچنین حسابرسی مستقل دارد. لذا بر پایه این استدلال، هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش تعدیلی کیفیت حسابرسی بر ارتباط بین اثربخشی کمیته حسابرسی و مدیریت سود است. جامعه آماری پژوهش، متشکل از ۹۶ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۵ است. جهت آزمون فرضیات پژوهش از مدل رگرسیونی چند متغیره استفاده شده است. نتایج به‌دست آمده از فرضیات پژوهش نشان می‌دهد که هنگامی که یک کمیته حسابرسی اثربخش با یک حسابرس متخصص در صنعت در تعامل هستند، احتمال کاهش مدیریت سود وجود دارد. همچنین نتایج حاکی از آن است که اثر تعدیل‌گر اندازه موسسه حسابرسی بر اثربخشی کمیته حسابرسی و مدیریت سود تأثیر معناداری دارد؛ و بنا بر نتایج به‌دست آمده از فرضیه سوم نشان می‌دهد که هنگامی که یک کمیته حسابرسی اثربخش با دوره تصدی حسابرس در تعامل است احتمال کاهش مدیریت سود وجود دارد.

یوسفی اصل و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی " بررسی رابطه ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت سود با نقش تعدیل‌گر کیفیت حسابرسی در شرکت‌های با مالکیت متمرکز" پرداخته‌اند. این پژوهش، به بررسی رابطه ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت سود با نقش تعدیل‌گر کیفیت حسابرسی در شرکت‌های با مالکیت متمرکز می‌پردازد. این پژوهش کاربردی و رویکرد آن پس‌رویدادی است. دوره زمانی مورد مطالعه شامل سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ و نمونه برگزیده متشکل از ۱۴۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است که ۶۱۶ سال شرکت آن دارای تمرکز مالکیت است. همچنین، برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش رگرسیون حداقل مربعات معمولی در نرم‌افزار Eviews استفاده شد. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه پژوهش نشان می‌دهد که پس از کنترل متغیرهای اهرم مالی و فرصت رشد، بین تخصص مالی، اندازه و استقلال کمیته حسابرسی با کیفیت سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، کیفیت حسابرسی، رابطه بین تخصص مالی، اندازه و استقلال کمیته حسابرسی با کیفیت سود را به گونه مثبت و معنادار تعدیل می‌کند. افزون بر آن، در شرکت‌های با مالکیت متمرکز کیفیت حسابرسی، رابطه بین تخصص مالی، اندازه و استقلال کمیته حسابرسی با کیفیت سود را به گونه منفی و معناداری تعدیل می‌کند.

داداشی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی " ارائه مدلی برای تبیین اثربخشی کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی مبتنی بر معادلات ساختاری" پرداخته‌اند. کمیته حسابرسی از اجزای اصلی راهبری شرکت تلقی شده و عاملی تعیین‌کننده در روند گزارشگری مالی است که اعتبار صورت‌های مالی حسابرسی شده را افزایش می‌دهد. چنانچه مشکلات نمایندگی شدیدتر شود، تئوری نمایندگی پیش‌بینی می‌کند که مدیریت جهت اطمینان از کیفیت گزارشگری مالی به سهامداران، نظارت بالاتری را بر کیفیت صورت‌های مالی، تقاضا خواهد کرد. لذا بر پایه این استدلال، پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین اثربخشی کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی با رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری می‌پردازد. بدین منظور، نمونه‌ای متشکل از ۱۱۱ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ انتخاب گردید. اثربخشی کمیته حسابرسی توسط متغیرهای مشاهده‌پذیر تخصص مالی، استقلال، جنسیت، اندازه کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی نیز از طریق متغیرهای مشاهده‌پذیر درصد سهامداران نهادی، نوع اظهارنظر، تخصص صنعت، اندازه و دوره تصدی حسابرس اندازه‌گیری شد. پس از اطمینان یافتن از برازش قابل قبول الگوهای اندازه‌گیری و ساختاری پژوهش، نتایج حاکی از آن است که اثربخشی کمیته حسابرسی، کیفیت حسابرسی مستقل را افزایش می‌دهد.

مرادزاده فرد و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش به بررسی " اثربخشی کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی: آزمون تجربی رویکرد نظارتی" پرداخته‌اند. بر اساس تئوری نمایندگی، بین مدیریت و مالکیت تضاد منافع وجود دارد. جدایی ویژگی‌های مالی و کنترل، موجب هزینه نمایندگی می‌شود که توسط رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران با توجه به عدم تقارن اطلاعاتی محقق می‌گردد. کمیته حسابرسی از اجزای ارکان راهبری بنگاه تلقی می‌شود و عاملی تعیین‌کننده در روند گزارشگری مالی است که اعتبار صورت‌های مالی حسابرسی شده را افزایش می‌دهد. لذا بر پایه این استدلال، پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین اثربخشی کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی می‌پردازد. بدین منظور، برای سنجش اثربخشی کمیته حسابرسی از چهار معیار جامع اندازه، تخصص، استقلال و تعداد جلسات کمیته حسابرسی و همچنین، برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی از سه معیار جامع حق‌الزحمه حسابرس، تخصص حسابرس و اندازه مؤسسه حسابرسی استفاده گردید. فرضیه تحقیق نیز با استفاده از نمونه‌ای متشکل از ۵۳ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ مورد آزمون قرار گرفت. یافته‌های پژوهش حاکی از رابطه مثبت و معنادار بین اثربخشی کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی است.

پیشینه خارجی

کائو^۱ و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی به بررسی "کمیته حسابرسی داوطلبانه، انتخاب حسابرسان و کیفیت حسابرسی: شواهد از تایوان" پرداخته‌اند. در این مقاله اثرات تشکیل کمیته‌های حسابرسی داوطلبانه بر انتخاب شرکای حسابرسی فردی و به‌نوبه خود، کیفیت حسابرسی را موردبررسی قرار می‌دهد. این در مقایسه با مطالعات قبلی، بررسی رابطه بین کمیته‌های حسابرسی و انتخاب حسابرس در سطح شرکت حسابرسی است. این مقاله نمونه‌هایی از شرکت‌های ذکرشده به‌طور عمومی تایوان برای دوره ۲۰۰۷-۲۰۱۲ و از مدل تخمین دومرحله‌ای همکن (۱۹۷۹) برای دستیابی به اهداف ما استفاده می‌کند. با استفاده از ویژگی‌های مختلف شرکای تعاملی فردی به‌عنوان پروکسی برای حسابرس باکیفیت بالاتر، نتایج تجربی اصلی نشان می‌دهد که تشکیل کمیته داوطلبانه حسابرسی به‌طور مثبت به یک شریک رهبری متخصص صنعت و شریک رهبری مرتبط است که تعداد بیشتری از مشتریان را دارد. علاوه بر این، این مقاله همچنین نشان می‌دهد که تشکیل کمیته داوطلبانه حسابرسی تأثیر مثبتی بر کیفیت حسابرسی دارد. نتایج نشان می‌دهد که تشکیل داوطلبانه یک کمیته حسابرسی به‌طور مثبت به انتخاب حسابرسان و کیفیت حسابرسی کمک می‌کند. علاوه بر این، یک آزمایش اضافی نشان می‌دهد که نتایج تجربی اصلی به تهدید اعتبار قوی است که شرکت‌هایی که پیش از تشکیل کمیته‌های حسابرسی داوطلبانه هستند، به‌منظور انتخاب شرکای حسابرسی باکیفیت بالا، قوی هستند.

هریس^۲ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی "شاخص‌های کیفیت حسابرسی: دیدگاه‌های غیر بزرگ چهار شرکت حسابرسی و کمیته‌های حسابرسی شرکت کوچک" پرداخته‌اند. از طریق یک مطالعه ترکیبی، دیدگاه‌های حرفه‌ای دو گروه متمایز PCAOB را در ارتباط با رویکرد نظارتی PCAOB برای شاخص‌های کیفیت حسابرسی بررسی می‌کنیم. اولاً، ما نامه‌های نظر چهار شرکت ممیزی غیر بزرگ را بررسی می‌کنیم و متوجه می‌شویم که این گروه خاص تشکیل‌دهنده اکثر شاخص‌های کیفیت حسابرسی PCAOB به‌عنوان غیرقابل قبول و غیرقابل استفاده است. علاوه بر این، چهار شرکت غیر بزرگ چهار شرکت حسابرسی ادعا می‌کنند که شاخص‌ها نیاز به توضیح بیشتر از تنظیم‌کننده و همچنین زمینه کیفی قابل توجهی دارند تا از سوء تفاهمات جلوگیری شود که ممکن است منجر به پیامدهای ناخواسته شود. دوم، ما مجموعه‌ای از اعضای کمیته حسابرسی را از شرکت‌های کوچک و تجاری به‌طور عمومی در رابطه با ارزیابی فعلی و اثربخشی درک شده یازده شاخص کیفیت حسابرسی PCAOB موردبررسی قرار می‌دهیم که هر کدام از آن‌ها در ادبیات کیفیت حسابرسی موجود ثابت شده است. ما شاخص‌های مربوط به پرسنل حسابرسی را با مهارت و دانش تخصصی، تجربه پرسنل حسابرسی و گزارش‌های به‌موقع مسائل کنترل داخلی در نظر گرفته‌ایم تا بالاترین سطح اثربخشی را در ارزیابی کیفیت حسابرسی درک کنیم.

زوهرو^۳ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی "تأثیر حسابرسی حسابرسی، چرخش حسابرسی، کمیته‌های حسابرسی و کمیته حسابرسی بر کیفیت حسابرسی با حسابرسان متخصص به‌عنوان مدیران در شرکت‌های املاک و مستغلات و املاک در سال ۲۰۱۳-۲۰۱۸" پرداخته‌اند. این مطالعه باهدف تعیین و تحلیل تأثیر تیماری ممکن بود، چرخش

1 Kao

2 Harris

3 Zuhroh

حسابرسی، کمیته حسابرسی و کمیته حسابرسی با حسابرسان متخصص با حسابرسان متخصص به‌عنوان تعدیل‌کننده املاک و مستغلات و املاک و مستغلات در بورس اوراق بهادار اندونزی است. نتایج این مطالعه ثابت می‌کند که اداره حسابرسی تأثیر منفی و معنی‌داری بر کیفیت حسابرسی دارد، درحالی‌که چرخش حسابرسی تأثیر منفی و معنی‌داری بر کیفیت حسابرسی دارد، اندازه شرکت دارای تأثیر مثبت و معنی‌دار بر کیفیت حسابرسی و کمیته حسابرسی است تأثیر مثبت و معنی‌دار بر کیفیت حسابرسی. حسابرسان متخصص در تعدیل تأثیر حوادث حسابرسی، چرخش حسابرسی، اندازه شرکت و کمیته حسابرسی در کیفیت حسابرسی قابل توجه نیستند.

پارک^۱ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی "کمیته‌های حسابرسی و تأثیر مدیریتی بر کیفیت حسابرسی: رویکرد داوطلبانه" در مقابل "اجباری" به حاکمیت شرکتی" پرداخته‌اند. این مطالعه شواهد تجربی را در مورد چگونگی تأثیر مدیریتی برای کاهش کیفیت حسابرسی با ترکیبی از فرم کمیته حسابرسی (AC) و انطباق با بهترین دستورالعمل‌های تمرین AC ارائه می‌دهد. ارتباط منفی بین مالکیت مدیریتی و هزینه‌های حسابرسی وجود دارد؛ با این حال، این ارتباط مثبت می‌شود زمانی که یک AC داوطلبانه به دنبال بهترین شیوه‌ها است. علاوه بر این، نتایج به دلیل محرومیت از صنایع با فرکانس بزرگ در نمونه، توجه به گروه‌های کسب و کار کره‌ای و زمان رکود اقتصادی است. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که یک رویکرد داوطلبانه به حاکمیت شرکتی که شرکت‌ها را تشویق می‌کند تا بهترین دستورالعمل‌های عمل را در قالب و ترکیب AC پیروی کنند، در کنترل مدیریت مؤثرتر از یک رویکرد اجباری مؤثرتر است. این مطالعه به سیاست‌گذاری باهدف بهبود اثربخشی AC کمک می‌کند.

گافران^۲ و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهش به بررسی "تأثیر تخصص کمیته حسابرسی بر کیفیت حسابرسی: شواهد از هزینه‌های حسابرسی انگلیس" پرداخته‌اند. رگولاتورهای حاکمیت در حال حاضر تأکید زیادی بر تضمین حضور تخصص مالی در کمیته‌های حسابرسی دارند. پایه این باور است که تخصص بیشتر، اثربخشی کمیته‌های حسابرسی را افزایش می‌دهد و از طریق گسترش، کیفیت حسابرسی خارجی افزایش می‌یابد. این مطالعه به بررسی تأثیر تخصص کمیته حسابرسی بر روی یک اندازه از کیفیت حسابرسی - هزینه‌های حسابرسی پرداخت شده توسط شرکت‌های FTSE350 می‌پردازد. تجزیه و تحلیل ما نشان می‌دهد که کمیته‌های حسابرسی دارای سطوح بالاتری از تخصص مالی با هزینه‌های حسابرسی بالاتر است. هنگامی که ما تخصص مالی بین حسابداری و غیر حسابداری را جدا می‌کنیم، متوجه می‌شویم که تأثیر مثبت شناسایی شده توسط تخصص غیر حسابداری هدایت می‌شود. علاوه بر این، هنگامی که ما FTSE100 و FTSE250 شرکت‌های FTSE250 را جدا می‌کنیم، تأثیر تخصص مالی را به شرکت‌های FTSE250 محدود می‌کنیم. یافته‌های ما مهم است زیرا آن‌ها مفید بودن سودمندی تخصص مالی بین متخصصان و غیرمتخصصان را برجسته می‌کنند، چیزی که در انگلستان و در ایالات متحده در حال حاضر انجام نمی‌دهند. یافته‌های ما همچنین ارزش بالقوه تخصص کمیته حسابرسی را در مقایسه با شرکت‌های لیست شده بزرگ نشان می‌دهد که نشان می‌دهد ارزش تخصص باکیفیت حسابرسی بستگی به چالش‌های گزارشگری مالی خاص شرکت دارد.

1 Park

2 Ghafran

روش کلی پژوهش

انتخاب روش پژوهش به هدف‌ها و ماهیت موضوع پژوهش و امکانات اجرایی آن بستگی دارد؛ بنابراین هنگامی می‌توان در مورد روش بررسی و انجام یک پژوهش تصمیم گرفت که ماهیت، موضوع و اهداف آن مشخص باشد. (سرمد و همکاران، ۱۳۹۰).

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: بین تخصص صنعت کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی رابطه وجود دارد.
فرضیه دوم: بین تخصص حقوقی کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی رابطه وجود دارد.
فرضیه سوم: بین تنوع جنسیتی کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی رابطه وجود دارد.

قلمرو پژوهش

تعیین قلمرو یا محدوده تحقیق، مرزهای خودخواسته است که توسط محقق بر اساس هدف و دامنه تحقیق تعیین می‌شود. قلمرو پژوهش در تحقیق دارای قلمرو موضوعی، قلمرو زمانی و قلمرو مکانی می‌باشد.

قلمرو موضوعی

این پژوهش از نظر موضوع به بررسی تأثیر کمیته حسابرسی بر کیفیت حسابرسی با در نظر گرفتن نوع صنعت، ملاحظات حقوقی و تنوع جنسیتی

قلمرو زمانی

این پژوهش داده‌های در بازه زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ مورد مطالعه قرار داده است.

قلمرو مکانی

این پژوهش در بورس اوراق بهادار تهران انجام گرفته است.

• مدل پژوهش

در قسمت اول به بررسی شاخص‌های مرکزی و پراکنندگی هر یک از متغیرهای تحقیق در قالب جدول فراوانی (حداقل، حداکثر، میانگین و انحراف معیار) و در قسمت دوم، اول با انجام آزمون‌های هاسمن، F لیمر و آزمون جار کوبرا به بررسی امکان یا عدم امکان آزمون اصلی تحقیق خواهیم پرداخت و در نهایت با انجام آزمون رگرسیون به بررسی فرضیه‌های تحقیق با استفاده از نرم‌افزار Eviews8 خواهیم پرداخت.

مدل تحقیق: برگرفته از مقاله الهبسا و همکاران (۲۰۲۱) است و با استفاده از این مدل رابطه تخصص صنعت حسابرس، تخصص حقوقی حسابرس و تنوع جنسیتی بر کیفیت حسابرسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

• رابطه (۱): مدل هزینه‌های حسابرسی

$$\ln FEES_{it} = \alpha_0 + \beta_1 AC_INDUSTRY_{it} + \beta_2 AC_LEGAL_{it} + \beta_3 AC_GEND_{it} + \beta_4 AC_INDEP_{it} + \beta_5 AC_FINANCIAL_{it} + \beta_6 AC_SIZE_{it} + \beta_8 LEV_{it} + \beta_7 MBNUMSUBS_{it} + \beta_9 LOSS_{it} + \beta_{10} RISK_{it} + \beta_{11} BIG_{it} + \beta_{12} \ln FIRM_SIZE_{it} + \beta_{13} INDUSTRY_{it} + \varepsilon_{it}$$

- در صورت معنادار بودن ضریب β_1 در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه ۱ تأیید خواهد شد.
- در صورت معنادار بودن ضریب β_2 در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه ۲ تأیید خواهد شد.

- در صورت معنادار بودن ضریب β_3 در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه ۳ تأیید خواهد شد.
 - رابطه (۲): مدل مؤسسات حسابرسی
- $$BIG_{it} = \alpha_0 + \beta_1 AC_INDUSTRY_{it} + \beta_2 AC_LEGAL_{it} + \beta_3 AC_GEND_{it} + \beta_4 AC_INDEP_{it} + \beta_5 AC_FINANCIAL_{it} + \beta_6 AC_SIZE_{it} + \beta_8 LEV_{it} + \beta_7 MBNUMSUBS_{it} + \beta_8 LOSS_{it} + \beta_9 RISK_{it} + \beta_{10} ROA_{it} + \beta_{11} \ln FIRM_SIZE_{it} + \beta_{13} INDUSTRY_{it} + \varepsilon_{it}$$
- در صورت معنادار بودن ضریب β_1 در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه ۱ تأیید خواهد شد.
 - در صورت معنادار بودن ضریب β_2 در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه ۲ تأیید خواهد شد.
 - در صورت معنادار بودن ضریب β_3 در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه ۳ تأیید خواهد شد.

جدول ۱ تعریف عملیاتی تحقیق

ردیف	نام متغیر (علامت اختصاری)	نوع متغیر	نحوه اندازه‌گیری
۱	کیفیت حسابرسی (InFEES)	وابسته	لگاریتم حق الزحمه حسابرسی
۲	اندازه موسسه حسابرسی (BIG)	وابسته	اگر جزء سازمان حسابرسی باشد یک در غیر این صورت صفر.
۳	تخصص صنعت حسابرسی (AC_INDUSTRY)	مستقل	نسبت کارشناسان صنعت کمیته حسابرسی به کل اعضای کمیته حسابرسی.
۴	تخصص حقوقی کمیته حسابرسی (AC_LEGAL)	مستقل	نسبت اعضا که تخصص حقوقی دارند به کل اعضا
۵	جنسیت اعضای کمیته حسابرسی (AC_GEND)	مستقل	نسبت اعضای زن به کل اعضای کمیته حسابرسی
۶	استقلال کمیته حسابرسی (AC_INDEP)	کنترلی	نسبت اعضای مستقل به کل اعضا
۷	تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی (AC_FINANCIAL)	کنترلی	نسبت اعضای که از نظر مالی تخصص دارند نسبت به کل اعضا.
۸	اندازه کمیته حسابرسی (AC_SIZE)	کنترلی	لگاریتم تعداد اعضای کمیته حسابرسی
۹	اهرم مالی (LEV)	کنترلی	از تقسیم کل بدهی‌های شرکت به کل دارایی‌های شرکت به دست می‌آید.
۱۰	زیان (LOSS)	کنترلی	متغیر ساختگی مساوی یک اگر شرکت زیان گزارش کرده باشد، در غیر این صورت صفر
۱۱	ریسک (RISK)	کنترلی	درصد دارایی‌های جاری به کل دارایی‌ها.

ردیف	نام متغیر (علامت اختصاری)	نوع متغیر	نحوه اندازه گیری
۱۲	بازده دارایی‌ها (ROA)	کنترلی	درآمد خالص تقسیم بر کل دارایی‌ها
۱۳	اندازه شرکت (lnFIRM_SIZE)	کنترلی	لگاریتم طبیعی جمع کل دارایی‌ها
۱۴	صنعت (INDUSTRY)	کنترلی	متغیرهای ساختگی مربوط به نوع صنعت

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

از آن جهت که شرکت‌های پذیرفته‌شده در سازمان بورس اوراق بهادار تهران از ویژگی‌های مشترکی نظیر سهامی بودن شرکت، گذشت حداقل دو سال از تاریخ بهره‌برداری و تابعیت ایرانی داشتن شرکت برخوردار می‌باشند، بنابراین به‌عنوان جامعه آماری این پژوهش انتخاب شده‌اند. لذا جامعه آماری در این پژوهش شرکت‌های منتخب پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در یک دوره ۷ ساله ۱۴۰۰-۱۳۹۴ می‌باشد.

جامعه آماری این تحقیق، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در یک بازه زمانی ۷ ساله است که از شرایط زیر به جهت فراهم آمدن امکان مقایسه بین آن‌ها، برخوردار باشند:

- ۱) قبل از بازه زمانی ۱۳۹۴ الی ۱۴۰۰ وارد بورس شده و در دوره مزبور از بورس خارج نشده باشند.
- ۲) اطلاعات سالانه آن‌ها در پایان هر سال منتشر شده و یا بر مبنای مستندات موجود قابل دسترسی باشد.
- ۳) سال مالی شرکت‌ها در کل دوره قلمرو زمانی تحقیق به ۲۹ اسفند ختم شوند و در این بازه زمانی تحت بررسی، سال مالی خود را تغییر نداده باشند.
- ۴) نوع فعالیت شرکت‌ها تولیدی یا بازرگانی بوده به تعبیری، متعلق به مجموعه بانک‌ها، مؤسسات مالی، اعتباری و سرمایه‌گذاری نباشد.

بعد از مدنظر قرار دادن کلیه معیارهای بالا، تعداد ۱۳۹ شرکت به‌عنوان جامعه غربالگری شده باقیمانده است. به دلیل استفاده از روش توصیفی همبستگی نمونه‌گیری صورت نگرفته و همه آن‌ها به‌عنوان نمونه انتخاب شده‌اند.

جدول ۲ آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

پنل الف- متغیرهای پیوسته										
نام متغیر	نوع	ملاحظات	میانگین	میان	حداکثر	حداقل	معیار	انحراف	چولگی	کشیگی
کیفیت حسابرسی	LN(FEES)	۹۷۳	۶,۳۲۰۴	۶,۱۸۴۱	۱۱,۸۳۲	۱,۶۰۹۴	۱,۵۴۰	۰,۷۰۲	۴,۳۴۵	۸
اندازه موسسه حسابرسی	BIG	۹۷۳	۰,۲۵۳۹	۰	۱	۰	۰,۴۳۵	۱,۰۱۳۱	۲,۲۷۹	۵

پنل الف - متغیرهای پیوسته										
نام متغیر	نماد	مشاهدات	تعداد	میانگین	میان	حداکثر	حداقل	معیار انحراف	چولگی	کشیدگی
تخصص صنعت حسابرس	AC_INDUSTRY	۹۷۳	۰۰۰۳۱	۰۰۰۳۱	۰۰۰۳۱	۰۰۰۳۱	۰۰۰۳۱	۰۰۰۳۱	۰	۸۰۵۵۷
تخصص حقوقی کمیته حسابرس	AC_LEGAL	۹۷۳	۰۰۰۸۹	۰۰۰۸۹	۰۰۰۸۹	۰۰۰۸۹	۰۰۰۸۹	۰۰۰۸۹	۲,۱۱۶	۵,۵۶۵
جنسیت اعضای کمیته حسابرس	AC_GEND	۹۷۳	۰۰۰۳۱۶	۰۰۰۳۱۶	۰۰۰۳۱۶	۰۰۰۳۱۶	۰۰۰۳۱۶	۰۰۰۳۱۶	۲,۴۴۴	۶,۹۷۲
استقلال کمیته حسابرس	AC_INDEP	۹۷۳	۰۰۰۶۵	۰۰۰۶۵	۰۰۰۶۵	۰۰۰۶۵	۰۰۰۶۵	۰۰۰۶۵	۳,۶۷۱	۸,۰۲۸
تخصص مالی اعضای کمیته حسابرس	AC_FINANCIAL	۹۷۳	۰۰۰۱۴۳	۰۰۰۱۴۳	۰۰۰۱۴۳	۰۰۰۱۴۳	۰۰۰۱۴۳	۰۰۰۱۴۳	۱,۵۶۶	۶,۷۰۱
اندازه کمیته حسابرس	AC_SIZE	۹۷۳	۰۰۰۱۷۰	۰۰۰۱۷۰	۰۰۰۱۷۰	۰۰۰۱۷۰	۰۰۰۱۷۰	۰۰۰۱۷۰	۲,۱۴۰	۵,۶۷۵
اهرم مالی	LEV	۹۷۳	۰۰۰۲۲۶	۰۰۰۲۲۶	۰۰۰۲۲۶	۰۰۰۲۲۶	۰۰۰۲۲۶	۰۰۰۲۲۶	۰۰۲۵۴	۵,۰۵۳
زیان	LOSS	۹۷۳	۰۰۰۳۲۴	۰۰۰۳۲۴	۰۰۰۳۲۴	۰۰۰۳۲۴	۰۰۰۳۲۴	۰۰۰۳۲۴	۲,۳۵۰	۶,۵۲۳

پنل الف - متغیرهای پیوسته										
نام متغیر	نماد	مشاهدات	تعداد	میانگین	میان	حد اکثر	حد اقل	معیار انحراف	چولگی	کشیدگی
ریسک	RISK	۹۷۳	۰,۶۶۱۲	۰,۶۹۹۳	۰,۹۷۵۱	۰,۰۶۵۳	۰,۱۹۵	۰,۵۵۶	-	۲,۴۳۹
بازده دارایی‌ها	ROA	۹۷۳	۰,۱۰۹۵	۰,۰۹۱۴	۰,۶۳۱۳	-۰,۴۰۴۵	۰,۱۳۷	۰,۴۹۸	۱	۴,۵۸۸
اندازه شرکت	LN(FIRM_SIZE)	۹۷۳	۱۴,۳۲۱	۱۴,۱۶۲	۱۹,۷۷۳	۱۰,۴۹۲	۱,۴۹۹	۰,۷۲۵	۹	۴,۲۵۱
پنل ب - متغیرهای دو ارزشی										
نام متغیر	نماد	نوع طبقه	فراوانی	درصد فراوانی						
اندازه	BIG	۱	۲۴۷	٪۲۵/۴						
موسسه حسابرسی		۰	۷۲۶	٪۷۴/۶						
زیان	LOSS	۱	۱۱۶	٪۱۱/۹						
		۰	۸۵۷	٪۸۸/۱						

در جدول (۴-۱)، برخی از مفاهیم آمار توصیفی متغیرها شامل میانگین، میان، حد اقل مشاهدات، حداکثر مشاهدات، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی ارائه شده است. در این میان، پارامترهای مرکزی، دسته‌ای از پارامترهای توصیفی-کننده‌ی یک توزیع آماری هستند که ویژگی داده‌ها را نسبت به مرکز توزیع بیان می‌کنند. میانگین به عنوان نقطه تعادل و مرکز ثقل یک توزیع آماری، یکی از شاخص‌های مرکزی مناسب برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. در جدول ۲ تعداد مشاهدات مربوط به شرکت‌های مورد مطالعه ۹۷۳ (۱۳۹ شرکت در ۷ سال) است.

پایایی متغیرها

یکی از مهم‌ترین مشکلات عمده در تحلیل داده‌های مالی، وجود ریشه واحد است. وجود ریشه‌های واحد به معنی نامانای بودن داده‌ها است و این امر به بروز مشکلاتی در اعتبار آزمون‌های انجام شده منجر می‌شود. به عبارتی اگر متغیرها مانا نباشند دچار رگرسیون کاذب می‌شویم؛ بنابراین قبل از برآورد مدل، برای اطمینان از ساختگی نبودن و در پی آن داشتن نتایج نامطمئن، لازم است از مانا بودن متغیرها اطمینان حاصل کنیم. آزمون ریشه واحد، یکی از معمول‌ترین آزمون‌هایی است که برای تشخیص مانایی متغیرها مورد استفاده قرار می‌گیرد که برای این منظور از روش لین و چو (Levin, Lin & Chu) استفاده شده است.

فرض صفر: ریشه واحد وجود دارد و متغیر مورد نظر نامانا است.
فرض مقابل: ریشه واحد وجود ندارد و متغیر مورد نظر مانا است.

جدول ۳ نتایج آزمون مانایی برای متغیرهای مدل‌ها

نتیجه	مقدار *p	آماره آزمون	متغیر
پایا	۰/۰۰۰	-۳۹/۹۶۰	کیفیت حسابرسی
پایا	۰/۰۰۷	-۲/۴۴۴	اندازه موسسه حسابرسی
پایا	۰/۰۰۰	-۵/۸۴۲	تخصص صنعت حسابرسی
پایا	۰/۰۰۰	-۱۵/۴۵۸	تخصص حقوقی کمیته حسابرسی
پایا	۰/۰۰۰	-۵/۳۲۵	جنسیت اعضای کمیته حسابرسی
پایا	۰/۰۰۰	-۱۷/۵۸۶	استقلال کمیته حسابرسی
پایا	۰/۰۰۰	-۶/۹۶۷	تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی
پایا	۰/۰۰۰	-۱۳/۴۲۶	اندازه کمیته حسابرسی
پایا	۰/۰۰۰	-۲۴۹/۱۸۱	اهرم مالی
پایا	۰/۰۲۱	-۲/۰۳۱	زیان
پایا	۰/۰۰۰	-۲۰/۰۴۵	ریسک
پایا	۰/۰۰۰	-۳۶/۱۶۲	بازده دارایی‌ها
پایا	۰/۰۰۰	-۱۸/۳۸۹	اندازه شرکت

* p-value (prob)

قبل از تفسیر نتایج جدول ۳ ذکر این نکته قابل توجه است که در آزمون ریشه واحد، فرض صفر بیانگر نامانایی متغیرها است. در این صورت چنانچه مقدار p کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ باشد فرض صفر رد خواهد شد. به این ترتیب نتایج حاصل از آزمون مانایی برای داده‌های ترکیبی (پانل) در جدول ۳ نشان از مانا بودن تمام متغیرهای مورد مطالعه است.

عدم وجود خودهمبستگی جمله خطا (باقیمانده‌ها)

این فرض مدل کلاسیک رگرسیون خطی بیان می‌دارد که بین جملات باقیمانده رگرسیون، همبستگی وجود نداشته باشد. برای بررسی استقلال باقیمانده‌ها از آزمون خودهمبستگی سریالی بروش-گادفری^۱ استفاده شده است که فرضیه‌های آن به شرح زیر است:

$$\left. \begin{array}{l} H_0: \text{عدم وجود خودهمبستگی جمله خطا} \\ H_1: \text{وجود خودهمبستگی جمله خطا} \end{array} \right\}$$

¹ - Breusch-Godfrey

نتایج حاصل از آزمون خودهمبستگی سریالی بروش-گادفری نشان می‌دهد که با توجه به اینکه در سطح اطمینان ۹۵٪ مقدار احتمال آماره F ، در مدل پژوهش بیشتر ۵٪ می‌باشد بنابراین می‌توان فرض صفر را در مدل تأیید کرد لذا می‌توان گفت که فرض عدم وجود خودهمبستگی جزء خطا در مدل پژوهش برقرار است.

جدول ۴ آزمون همبستگی سریالی LM

نام متغیر	نوع آماره	احتمال آماره	سطح معناداری
مدل اول	$F(۲,۹۵۸)$	۰/۰۵۱	۰/۹۵۰
مدل دوم	$F(۲,۹۵۹)$	۰/۱۴۵	۰/۸۶۵

با توجه به جدول ۴ مشاهده می‌شود دو تا مدل پژوهش مشکل وجود همبستگی جمله خطا وجود ندارد.

ثابت بودن واریانس جمله خطا (باقیمانده‌ها)

یکی دیگر از فروض رگرسیون خطی این است که تمامی جملات باقیمانده دارای واریانس برابر باشند. در عمل ممکن است این فرض چندان صادق نبوده و به دلایل مختلفی از قبیل شکل نادرست تابع مدل، وجود نقاط پرت، شکست ساختاری در جامعه آماری و ... شاهد پدیده ناهمسانی واریانس باشیم. برای بررسی این مشکل آزمون‌های مختلفی توسط اقتصاددانان معرفی شده است. در این مطالعه فرض ناهمسانی واریانس باقیمانده‌ها از طریق آزمون بروش-پاگان-گودفری مورد بررسی قرار گرفت؛ که نتایج آن در جدول ۴-۷ نشان داده شده است.

فرض صفر: وجود همسانی واریانس باقیمانده‌ها.

فرض مقابل: وجود ناهمسانی واریانس باقیمانده‌ها.

جدول ۵ آزمون بروش-پاگان-گودفری

نام متغیر	نوع آماره	احتمال آماره	سطح معناداری
مدل اول	$F(۱۲,۹۶۰)$	۳/۴۶۴	۰/۰۰۰
مدل دوم	$F(۱۱,۹۶۱)$	۲/۹۹۹	۰/۰۰۱

در این آزمون فرض بر ناهمسانی واریانس باقیمانده‌ها است که با توجه به جدول فوق و معنادار نبودن مدل‌های پژوهش، فرضیه ما مبنی بر وجود همسانی واریانس در مدل اول و دوم پژوهش پذیرفته نمی‌شود، الگوها دارای ناهمسانی واریانس می‌باشد و نمی‌توان از رگرسیون خطی استفاده نمود و نیاز به استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) است.

عدم وجود هم خطی بین جملات توضیحی

هم خطی به معنای وجود رابطه شدید بین متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل است. در صورت وجود هم خطی، ضرایب برآوردی الگو دارای خطای معیار بالایی خواهد بود و در نتیجه این مسأله باعث می‌شود که تعداد متغیرهای معنی‌دار در معادله کاهش یابد. در این معادله برای بررسی عدم وجود هم خطی از معیار عامل تورم واریانس (VIF) استفاده شد. وقتی که شاخص تورم واریانس کمتر از ۱۰ باشد، نشان‌دهنده عدم وجود هم خطی است. نتایج حاصل از این آزمون نشان می‌دهد؛ که میزان تورم واریانس متغیرهای مستقل و کنترلی در حد مجاز خود قرار داشته و لذا از این بابت مشکلی وجود ندارد.

جدول ۶ نتایج حاصل از آزمون عدم وجود هم خطی بین جملات توضیحی در مدل اول پژوهش

متغیر	نماد	واریانس ضریب	عامل تورم واریانس
تخصص صنعت حسابرسان	AC_INDUSTRY	۰,۸۶۰	۱,۱۶۳
تخصص حقوقی کمیته حسابرسان	AC_LEGAL	۰,۸۳۵	۱,۱۹۸
جنسیت اعضای کمیته حسابرسان	AC_GEND	۰,۴۷۰	۲,۱۲۸
استقلال کمیته حسابرسان	AC_INDEP	۰,۵۵۳	۱,۸۰۹
تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسان	AC_FINANCIAL	۰,۹۲۱	۱,۰۸۵
اندازه کمیته حسابرسان	AC_SIZE	۰,۷۲۲	۱,۳۸۵
اهرم مالی	LEV	۰,۹۷۲	۱,۰۲۹
زیان	LOSS	۰,۹۳۰	۱,۰۷۵
ریسک	RISK	۰,۹۸۰	۱,۰۰۲
بازده دارایی‌ها	ROA	۰,۲۰۸	۴,۸۰۱
اندازه موسسه حسابرسان	BIG	۰,۹۳۶	۱,۰۶۸
اندازه شرکت	LN(FIRM_SIZE)	۰,۵۴۶	۱,۸۳۱

جدول ۷ نتایج حاصل از آزمون عدم وجود هم خطی بین جملات توضیحی در مدل دوم پژوهش

متغیر	نماد	واریانس ضریب	عامل تورم واریانس
تخصص صنعت حسابرسان	AC_INDUSTRY	۰,۲۶۱	۳,۸۳۶
تخصص حقوقی کمیته حسابرسان	AC_LEGAL	۰,۹۹۲	۱,۰۰۹
جنسیت اعضای کمیته حسابرسان	AC_GEND	۰,۷۸۸	۱,۲۶۹
استقلال کمیته حسابرسان	AC_INDEP	۰,۷۰۰	۱,۴۲۸
تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسان	AC_FINANCIAL	۰,۲۵۹	۳,۸۶۶
اندازه کمیته حسابرسان	AC_SIZE	۰,۵۵۸	۱,۷۹۳
اهرم مالی	LEV	۰,۷۰۰	۱,۴۲۸
زیان	LOSS	۰,۸۴۴	۱,۱۸۵
ریسک	RISK	۰,۴۸۲	۲,۰۷۷
بازده دارایی‌ها	ROA	۰,۹۰۹	۱,۱۰۰
اندازه شرکت	LN(FIRM_SIZE)	۰,۳۴۲	۱,۷۳۶

تحلیل یافته‌ها

آزمون تشخیص مدل (آزمون چاو)

فرض صفر: روش داده‌های تلفیقی (Pooling) مناسب است.

فرض مقابل: روش داده‌های تابلویی (Panel) مناسب است.

جدول ۸. نتایج آزمون F لیمر برای مدل اول

نتیجه	مقدار p	درجه آزادی	آماره آزمون
استفاده از داده‌های تابلویی	۰/۰۰۰	(۱۳۸،۸۲۲)	۱۴/۷۴۹

همان‌گونه که در جدول ۸ مشاهده می‌شود فرض صفر مبنی بر برابری همه اثرات خاص شرکت‌ها در مورد مدل اول رد می‌شود ($p < ۰/۰۵$). این بدان معنی است که نمی‌توان مدل اول را با روی هم ریختن داده‌های مربوط به شرکت‌های مورد مطالعه و به روش Pooling تخمین زد بلکه باید از روش داده‌های پانل استفاده کرد. به عبارتی کارآمدی برآورد مدل اول با استفاده از داده‌های پانل برای ۱۳۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مشخص می‌شود.

آزمون تشخیص نوع مدل (آزمون هاسمن)

فرض صفر: مدل اثرات تصادفی مناسب است.

فرض مقابل: مدل اثرات ثابت مناسب است.

جدول ۹. نتایج آزمون هاسمن برای مدل اول

نتیجه	مقدار p	درجه آزادی	آماره آزمون
استفاده از مدل اثرات ثابت	۰/۰۱۵	۱۲	۲۴/۹۴۳

همان‌گونه که در جدول ۹ مشاهده می‌شود فرض صفر کاراتر بودن مدل اثرات تصادفی برای شرکت‌های مورد مطالعه رد می‌شود ($p < ۰/۰۵$). به عبارتی نتایج بیانگر تائید اثرات ثابت در برابر اثرات تصادفی است بنابراین مدل اول برای ۱۳۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران باید به صورت اثرات ثابت تخمین زده شود.

فرضیات پژوهش

فرضیه اول: بین تخصص صنعت حسابرس و کیفیت حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین تخصص حقوقی حسابرس و کیفیت حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین تنوع جنسیتی کمیته حسابرس و کیفیت حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

مدل اول پژوهش

جدول ۱۰. نتایج بررسی ضرایب جزئی (مدل اول) با روش ثابت با توجه به ناهمسانی مدل

متغیر وابسته: کیفیت حسابرسی، تعداد دوره: ۷، تعداد تقاطع: ۱۳۹، تعداد ترکیب موزون: ۹۷۳					
$\ln FEES_{it} = \alpha_0 + \beta_1 AC_INDUSTRY_{it} + \beta_2 AC_LEGAL_{it} + \beta_3 AC_GEND_{it} + \beta_4 AC_INDEP_{it} + \beta_5 AC_FINANCIAL_{it} + \beta_6 AC_SIZE_{it} + \beta_7 LEV_{it} + \beta_8 LOSS_{it} + \beta_9 RISK_{it} + \beta_{10} ROA_{it} + \beta_{11} BIG_{it} + \beta_{12} \ln FIRM_SIZE_{it} + \varepsilon_{it}$					
متغیرها	نماد	ضرایب	آماره t	احتمال	نتیجه
ضریب ثابت	C	۷,۶۹۶	۶,۷۵۹	۰,۰۰۰	معنادار

مغنا دار	۰,۰۳۹	۲,۰۶۵	۲,۴۶۱	AC_INDUSTRY	تخصص صنعت حسابرسی
عدم تأیید	۰,۰۶۳	۱,۸۵۹	۶,۳۳۰	AC_LEGAL	تخصص حقوقی کمیته حسابرسی
عدم تأیید	۰,۷۲۳	۰,۳۵۵	۰,۰۱۳	AC_GEND	جنسیت اعضای کمیته حسابرسی
مغنا دار	۰,۰۰۰	۴,۳۹۶	۰,۸۹۰	AC_INDEP	استقلال کمیته حسابرسی
مغنا دار	۰,۰۳۰	۲,۱۷۰	۰,۱۹۴	AC_FINANCIAL	تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی
مغنا دار	۰,۰۲۵	-۲,۲۴۷	-۳,۸۶۷	AC_SIZE	اندازه کمیته حسابرسی
عدم تأیید	۰,۶۱۹	۰,۴۹۸	۰,۰۴۴	LEV	اهرم مالی
مغنا دار	۰,۰۳۴	-۲,۱۲۱	-۰,۰۶۲	LOSS	زیان
عدم تأیید	۰,۲۳۱	-۱,۱۹۹	-۰,۲۹۴	RISK	ریسک
مغنا دار	۰,۰۰۰	-۴,۶۲۶	-۰,۲۳۳	ROA	بازده دارایی‌ها
مغنا دار	۰,۰۰۸	۲,۶۴۸	۰,۳۱۴	BIG	اندازه موسسه حسابرسی
مغنا دار	۰,۰۰۰	۵,۳۴۶	۰,۲۰۳	LN(FIRM_SIZE)	اندازه شرکت
	۰/۰۰۰			۲/۳۷۳	آماره دوربین - واتسون
				۷۶/۴۴۹	آماره F
				۰/۸۷۶	ضریب تعیین تعدیل شده
				۰/۸۹۵	ضریب تعیین

منبع: یافته‌های پژوهشگر

بررسی اعتبار و قدرت الگو:

آزمون F: در یک معادله رگرسیون چند متغیره، چنانچه هیچ رابطه‌ای میان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل وجود نداشته باشد، باید تمامی ضرایب متغیرهای مستقل در معادله، مساوی صفر باشند. از این رو، باید معنادار بودن معادله رگرسیون مورد آزمون قرار گیرد. این کار با استفاده از آماره F انجام می‌شود. همان‌طور که در جدول (۱۰) ملاحظه می‌شود، مقدار آماره F و سطح معناداری مربوط به این آماره، بیانگر این است که فرضیه صفر آماری که همان بی-معنا بودن کل مدل (صفر بودن تمام ضرایب) است، رد می‌شود و مدل رگرسیون برآورد شده، در کل معنادار است. ضریب تعیین R²: معیاری است که قدرت رابطه میان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل را تشریح می‌کند. مقدار این ضریب در واقع مشخص‌کننده آن است که چند درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود. در این مدل، ضریب تعیین برابر با ۰/۸۹۵ است؛ یعنی ۸۹,۵٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل قابل توضیح است.

ضریب تعیین تعدیل‌شده: این ضریب با ضریب تعیین برابر نیست، احتمالاً از دلایل وجود تفاوت بین میزان ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیلی وجود متغیرهای اضافی است که با داشتن اثر معنادار بر متغیر وابسته موجب کاهش کاذب در ضریب تعیین شده باشند.

بررسی اعتبار باقیمانده‌ها:

خودهمبستگی: نتایج حاصل از بررسی خودهمبستگی جملات خطا با استفاده از آماره دورین واتسون انجام می‌گیرد که با توجه به این که آماره به دست آمده در دامنه ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد، بیانگر نبود خودهمبستگی بین خطاهای مدل است.

نتیجه:

آزمون t: با توجه به مقدار مثبت ضریب رگرسیونی تخصص صنعت حسابرس می‌توان نتیجه گرفت تخصص صنعت حسابرس با کیفیت حسابرسی، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مثبت (مستقیم) معناداری دارد ($p < 0.05$). فرضیه اول مورد تأیید می‌باشد.

با توجه به مقدار ضریب رگرسیونی تخصص حقوقی حسابرس می‌توان نتیجه گرفت تخصص حقوقی حسابرس با کیفیت حسابرسی، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری ندارد ($p > 0.05$). فرضیه دوم مورد تأیید نمی‌باشد.

همچنین مقدار ضریب رگرسیونی تنوع جنسیتی می‌توان نتیجه گرفت تنوع جنسیتی با کیفیت حسابرسی، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری ندارد ($p > 0.05$). فرضیه سوم مورد تأیید نمی‌باشد.

نتایج نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵٪ مقادیر t به استثنای اهرم مالی و ریسک برای تمام متغیرها در ناحیه رد فرض صفر قرار می‌گیرد یعنی به جزء متغیرهای یادشده، مابقی متغیرها در مدل معنی‌دار هستند. نتایج حاصل از متغیرهای کنترلی نشان می‌دهد که استقلال کمیته حسابرسی، تخصص مالی کمیته حسابرسی، اندازه موسسه حسابرسی و اندازه شرکت تأثیر مثبت و معناداری بر کیفیت حسابرسی دارند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که زیان و بازده دارایی‌ها تأثیر منفی و معناداری بر کیفیت حسابرسی دارد.

مدل دوم پژوهش

جدول ۱۱. نتایج بررسی رگرسیون لجستیک با توجه به ناهمسانی مدل

متغیر وابسته: اندازه موسسه حسابرسی، تعداد دوره: ۷، تعداد تقاطع: ۱۳۹، تعداد ترکیب موزون: ۹۷۳					
$BIG_{it} = \alpha_0 + \beta_1 AC_INDUSTRY_{it} + \beta_2 AC_LEGAL_{it} + \beta_3 AC_GEND_{it} + \beta_4 AC_INDEP_{it} + \beta_5 AC_FINANCIAL_{it} + \beta_6 AC_SIZE_{it} + \beta_7 LEV_{it} + \beta_8 LOSS_{it} + \beta_9 RISK_{it} + \beta_{10} ROA_{it} + \beta_{11} \ln FIRM_SIZE_{it} + \varepsilon_{it}$					
نتیجه	احتمال	آماره z	ضرایب	نماد	متغیرها
معنادار	۰,۰۰۵	-۲,۸۰۴	-۲,۶۹۹	C	ضریب ثابت
معنادار	۰,۰۰۵	۲,۸۳۵	۹,۹۴۷	AC_INDUSTRY	تخصص صنعت حسابرس
عدم تأیید	۰,۱۶۲	۱,۴۰۰	۱,۲۳۳	AC_LEGAL	تخصص حقوقی کمیته حسابرسی
معنادار	۰,۰۰۰	۴,۶۷۲	۰,۳۵۱	AC_GEND	جنسیت اعضای کمیته حسابرسی
عدم تأیید	۰,۸۴۸	۰,۱۹۱	۰,۱۹۷	AC_INDEP	استقلال کمیته حسابرسی

تخصیص مالی اعضای کمیته حسابرسی	AC_FINANCIAL	۰,۱۲۵	۰,۳۴۳	۰,۷۳۱	عدم تأیید
اندازه کمیته حسابرسی	AC_SIZE	۰,۰۴۳	۲,۰۷۳	۰,۰۳۸	معنادار
اهرم مالی	LEV	-۰,۰۶۳	-۲,۱۶۷	۰,۰۰۴	معنادار
زیان	LOSS	-۰,۰۰۹	-۱,۲۵۱	۰,۲۱۱	عدم تأیید
ریسک	RISK	-۰,۰۴۰	-۲,۲۰۸	۰,۰۲۷	معنادار
بازده دارایی‌ها	ROA	-۰,۰۳۶	-۱,۵۹۰	۰,۱۱۲	عدم تأیید
اندازه شرکت	LN(FIRM_SIZE)	۰,۱۷۵	۳,۳۴۹	۰,۰۰۱	معنادار
ضریب تعیین مک‌فادن	۰/۴۳۷			۰/۰۰۰	
آماره LR	۴۰/۹۱۵				
تعداد یک‌ها	۲۴۷				
تعداد صفرها	۷۲۶				
		مقدار آماره	درجه آزادی	مقدار	
هاسمر-لمشو	H-L Statistic	۷,۳۳۵۴	Prob. Chi-sq(8)	۰,۵۱۰	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

بررسی اعتبار و قدرت الگو:

آزمون LR: در یک معادله رگرسیون چند متغیره، چنانچه هیچ رابطه‌ای میان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل وجود نداشته باشد، باید تمامی ضرایب متغیرهای مستقل در معادله، مساوی صفر باشند. از این رو، باید معنادار بودن معادله رگرسیون مورد آزمون قرار گیرد. این کار با استفاده از آماره LR انجام می‌شود. همان‌طور که در جدول (۱۱) ملاحظه می‌شود، مقدار آماره LR و سطح معناداری مربوط به این آماره، بیانگر این است که فرضیه صفر آماری که همان بی‌معنا بودن کل مدل (صفر بودن تمام ضرایب) است، رد می‌شود و مدل رگرسیون برآورد شده، در کل معنادار است.

ضریب تعیین مک‌فادن: معیاری است که قدرت رابطه میان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل را تشریح می‌کند. مقدار این ضریب در واقع مشخص‌کننده آن است که چند درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود. در این مدل، ضریب تعیین برابر با ۰/۴۳۷ است؛ یعنی ۴۳/۷٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل قابل توضیح است.

به منظور بررسی برازش الگو برآورد شده از آزمون هاسمر-لمشو استفاده شده با توجه به اینکه احتمال آماره آزمون هاسمر-لمشو ۰/۵۱۰ بزرگتر از ۰/۰۵ محاسبه شده است، لذا این مقدار کفایت داده‌ها برای برازندگی الگو را نشان می‌دهد.

نتیجه:

آزمون Z: با توجه به مقدار مثبت ضریب رگرسیونی تخصص صنعت حسابرس می‌توان نتیجه گرفت تخصص صنعت حسابرس با اندازه موسسه حسابرسی، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مثبت (مستقیم) معناداری دارد ($p < 0/05$). مورد تأیید می‌باشد.

با توجه به مقدار ضریب رگرسیونی تخصص حقوقی حسابرس می‌توان نتیجه گرفت تخصص حقوقی حسابرس با اندازه موسسه حسابرسی، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری ندارد ($p > 0/05$). مورد تأیید نمی‌باشد.

همچنین مقدار مثبت ضریب رگرسیونی تنوع جنسیتی می‌توان نتیجه گرفت تنوع جنسیتی با اندازه موسسه حسابرسی، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری مثبت (مستقیم) معناداری دارد ($p < 0/05$). مورد تأیید می‌باشد.

نتایج نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵٪ مقادیر Z به‌استثنای استقلال هیئت‌مدیره، تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی، زیان، ریسک و بازده دارایی‌ها برای تمام متغیرها در ناحیه رد فرض صفر قرار می‌گیرد یعنی به جزء متغیرهای یادشده، مابقی متغیرها در مدل معنی‌دار هستند. نتایج حاصل از متغیرهای کنترلی نشان می‌دهد که ریسک و اهرم مالی تأثیر منفی و معناداری بر اندازه موسسه حسابرسی دارند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که اندازه کمیته حسابرسی و اندازه شرکت تأثیر مثبت و معناداری بر اندازه موسسه حسابرسی دارد.

در رابطه با فرضیه اول:

کمیته حسابرسی به‌عنوان واسطه‌ای بین حسابرسان داخلی و مستقل و مدیریت عمل کرده و نقش بسزایی در نظارت و کنترل فرآیند گزارشگری مالی دارد. علاوه بر این، اطمینان از این که صورت‌های مالی تهیه‌شده توسط مدیریت، عاری از هرگونه سوگیری هستند، مورد توجه سهامداران می‌باشد. برای نیل به این هدف و اطمینان از محتوای ارزشی اطلاعات حسابداری، وجود کمیته حسابرسی اثربخش، بسیار ضروری به‌نظر می‌رسد. کمیته حسابرسی اثربخش، به‌عنوان عاملی تعیین‌کننده در روند گزارشگری مالی، موجب افزایش اعتبار صورت‌های مالی حسابرسی شده می‌شود. اعضای این کمیته با هیئت‌مدیره که مسئول حفظ منافع سهامداران است همکاری کرده و بر کیفیت و مطلوبیت صورت‌های مالی، حسابداری، حسابرسی، کنترل داخلی و فرآیند گزارشگری نظارت می‌کنند. برقراری ارتباط حسابرسان، کمیته‌های حسابرسی و هیئت‌مدیره موجب افزایش جریان اطلاعات سودمند، اثربخش و آگاهی‌دهنده می‌شود (محمدیان، ۱۳۹۰). در پژوهش حاضر، ارتباط بین اثربخشی کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی موردبررسی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که اثربخشی کمیته حسابرسی موجب افزایش کیفیت حسابرسی می‌گردد. وظیفه کمیته حسابرسی بیشتر جنبه نظارتی دارد. کمیته‌های حسابرسی در امر نظارت کارآمد بر گزارشگری مالی، حسابداری، حسابرسی و کنترل‌های داخلی فعالیت می‌کند و ارتباط و هماهنگی بین حسابرسان مستقل، حسابرسان داخلی و مدیریت را ارتقا می‌بخشد. به‌طوری‌که فعالیت مؤثر کمیته حسابرسی می‌تواند امکان تقویت و سلامت گزارشگری مالی را فراهم نماید و کیفیت حسابرسی را ارتقا بخشد.

مطابق با گزاره تئوری نمایندگی (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶)، استدلال شده است که تخصص صنعت مدیران را قادر می‌سازد تا عملکرد شرکت و شرایط مالی را بهتر درک کنند، اطلاعات مربوطه را بهتر تجزیه و تحلیل کنند و بنابراین

نقش نظارتی بهتری را ارائه کنند وانگ و همکاران (۲۰۱۵) اشاره کردند که تخصص صنعت ممکن است به اعضای کمیته حسابرسی در تقویت شایستگی‌های نظارتی خود که منجر به نظارت مؤثر بر فرآیند گزارشگری مالی شرکت می‌شود کمک کند.

علاوه بر این، از آنجایی که صورتهای مالی معمولاً حاوی تخمین‌های متعددی هستند، احتمالاً تخصص صنعت به اعضای کمیته حسابرسی کمک می‌کند تا برآوردهای خاص صنعت را درک و ارزیابی کند (کوهن و همکاران، ۲۰۱۴) نیز در پژوهش خود به رابطه مثبت تخصص صنعت حسابرس با کیفیت حسابرسی اشاره می‌کند. کوهن و همکاران (۲۰۱۴) به این نتیجه رسیدند که تخصص صنعت، در مقایسه با فقدان چنین تخصص، سطح بالاتری از کیفیت حسابرسی را طلب می‌کند و در نتیجه هزینه‌های حسابرسی بالاتری را به همراه خواهد داشت.

نتایج پژوهش هم‌راستا با پژوهش وانگ و همکاران (۲۰۱۵)، کوهن و همکاران (۲۰۱۴)، الود و همکاران (۲۰۱۷) است.

در رابطه با فرضیه دوم:

شرکت‌ها می‌توانند مدیرانی را با تخصص حقوقی برای مقابله با خطرات دعوی قضایی و رسیدگی به مسائل حقوقی خاص منصوب کنند (کریشان و همکاران، ۲۰۱۱). از آنجایی که مدیران دارای تخصص حقوقی مسئولیت حقوقی ناشی از اطلاعات با کیفیت پایین را درک می‌کنند، نسبت به آن هوشیارتر خواهند بود و بنابراین انتظار می‌رود که توجه و علاقه طبیعی آن‌ها به خطرات حقوقی و حمایت بیشتر از انطباق و کنترل‌های داخلی» گردد (لانگورت، ۲۰۰۷، ص ۱۸۴۱).

کریشان و همکاران (۲۰۱۱) استدلال کرد که اعضای کمیته حسابرسی با یک کارشناس حقوقی به دلیل حساسیت آن‌ها به خطرات دعوی قضایی و به دلیل اینکه مسئولیت نظارت بر گزارش مالی و فعالیت‌های حسابرسی را بر عهده دارند، به‌ویژه بر روی بدهی‌های ناشی از اظهارات اشتباه متمرکز خواهند شد؛ بنابراین، درحالی که انتظار می‌رود همه مدیران باید نگران خطر دعوی قضایی ناشی از صورتهای مالی نادرست یا گمراه‌کننده باشند. کارشناس حقوقی به‌ویژه به احتمال زیاد به آن حساس‌تر است. شرکت‌ها می‌توانند وکیل-مدیران را نه برای بهبود مستقیم کیفیت صورتهای مالی، بلکه برای رسیدگی به مسائل حقوقی خاص مربوط به ثبت اختراع، ادغام و تملک منصوب کنند. در این مورد، یک وکیل-مدیر می‌تواند به‌طور غیرمستقیم در افزایش کیفیت حسابرسی از طریق پرس‌وجو و پرسش کمک کند و نظارت مستقیم را انجام دهد، حتی اگر مشاوره حقوقی رسمی ارائه نکند علاوه بر این، کریشان و همکاران (۲۰۱۱) پیشنهاد می‌کند که اگرچه شرکت‌ها معمولاً دارای وکیل شرکتی (اعم از مشاور داخلی یا خارجی) برای اطمینان از رعایت قوانین هستند. مدیران وکیل در یک کمیته حسابرسی نظارت قوی‌تری نسبت به وکیل شرکت ارائه می‌دهند، زیرا آن‌ها افراد مستقل هستند و کارمندان شرکت نیستند.

از سوی دیگر، کارشناسان حقوقی کمیته حسابرسی به دلیل آنکه معمولاً سابقه حسابداری ندارند و در نتیجه احتمالاً در ایفای نقش نظارتی مؤثر شکست خواهند خورد. نتایج این پژوهش هم‌راستا با پژوهش الهیسا و همکاران (۲۰۲۱) است.

در رابطه با فرضیه سوم:

حضور زنان در هیئت‌مدیره روند نظارت را بهبود می‌بخشد و منجر به هیئت‌مدیره مؤثرتر می‌شود (وحید، ۲۰۱۹). مدیران زن سیستم حاکمیت شرکتی را تقویت می‌کنند آن‌ها، سبب بهبود کیفیت افشاگری، بهبود کیفیت درآمد، کاهش هزینه بدهی و کاهش سطح درگیری‌ها می‌شوند و به‌طور خاص، حسابرسان زن معمولاً بیشتر از مردان خطرپذیر تلقی می‌شوند

و در نتیجه تصمیمات محافظه کارانه تری به دست می آورند (زلاتا، نтім، ابود و گایونگ، ۲۰۱۸). آن‌ها همچنین قابل اعتمادتر از مردان هستند، در نتیجه احتمال دستکاری صورت‌های مالی کمتر است علاوه بر این، زنان نسبت به مردان نسبت به ضررها حساس ترند، توجه بیشتری به مدیریت ریسک می‌شود. بر این اساس، ذهنیت مشورتی و رهبری اخلاقی زنان ممکن است محیط کنترل داخلی را بهبود ببخشد و به استانداردهای محافظه کارانه و بالاتر گزارشگری مالی کمک کند (هو، لی، تام و ژانگ، ۲۰۱۵).

در این راستا، اورادی و دارجزی (۲۰۱۹) رابطه بین حضور اعضای زن در کمیته حسابرسی و بروز مجدد اظهارات مالی را بررسی کردند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که تنوع جنسیتی در کمیته حسابرسی احتمال استخدام حسابرسان با کیفیت بالاتر را افزایش می‌دهد و بنابراین احتمال تعدیل مجدد مطالب را کاهش می‌دهد. لای و همکاران (۲۰۱۷) دریافت که زنان در کمیته حسابرسی در ایالات متحده با تلاش بیشتر برای حسابرسی و انتخاب حسابرسان با کیفیت بالا، به کیفیت حسابرسی کمک می‌کنند. با توجه به اهمیت تنوع جنسیتی در هیئت مدیره، بسیاری از کشورها آن را به عنوان یکی از جنبه‌های اصلی سیستم حاکمیت شرکتی تصدیق می‌کنند. در نتیجه، برخی از کشورها سهمیه‌های اجباری (حداقل تعداد صندلی‌های راهنما را که باید به زنان اختصاص یابد) تعیین کردند در حالی که برخی دیگر فقط توصیه‌ها و دستورالعمل‌هایی را برای تنوع جنسیتی ارائه دادند باین حال، اگرچه توافق گسترده‌ای وجود دارد که تنوع جنسیتی در هیئت مدیره عملکرد آن را بهبود می‌بخشد، اما برخی شواهد از مدیریت و ادبیات رفتاری، نقش نامطلوب تنوع جنسیتی را در کار گروهی نشان می‌دهد. ارلی و موساکوفسکی (۲۰۰۰) اظهار داشتند که اعضای با جنسیت متفاوت تمایل به برقراری ارتباط کمتری دارند زیرا احتمال اینکه عقاید یکسانی داشته باشند کمتر است (الهسا و همکاران، ۲۰۲۱).

به همین ترتیب تاجفل و تورتر (۲۰۰۴) پیشنهاد کردند که گروه‌هایی که دارای تنوع جنسیتی هستند همکاری کمتری دارند و تعارضات عاطفی بالاتری را تجربه می‌کنند. کارتر و همکاران (۲۰۱۰) دریافتند که تنوع جنسیتی با سطوح بالاتر تعارض و تأخیر در تصمیم‌گیری همراه است آدامز و فریرا (۲۰۰۹) گزارش دادند که تنوع جنسیتی هیئت مدیره با عملکرد مالی ارتباط منفی دارد. این یافته با این استدلال که نظارت بیش از حد هیئت مدیره می‌تواند برای ارزش سهامداران مضر باشد سازگار است

محدودیت‌های پژوهش

✓ در فرآیند انجام یک تحقیق علمی، ممکن است مجموعه شرایط و مواردی وجود داشته باشند که خارج از کنترل محقق باشد. تحقیق حاضر نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. از جمله محدودیت این پژوهش نبود یک پایگاه داده منظم و سازمان یافته برای دسترسی به اطلاعات شرکت‌ها بود.

پیشنهاد‌های برآمده از تحقیق

در این قسمت مبتنی بر تحلیل روابط بین متغیرها و نتیجه‌گیری انجام شده در ارتباط با فرضیات تحقیق، پیشنهاد‌های محقق در دو بخش کاربردی و توصیه برای تحقیقات آتی عنوان شده‌اند:

پیشنهاد‌های کاربردی

✓ استاندارد گذاران می‌توانند از نتایج این تحقیق در ارزیابی‌هایشان در جهت تدوین استانداردهای حسابداری آتی استفاده کنند؛ به این جهت که با توجه به نتایج این تحقیق، مبنی بر نقش کیفیت اطلاعات حسابداری در کاهش مسائلی چون عدم تقارن اطلاعات و تضادهای نمایندگی و در نتیجه کاهش سرمایه‌گذاری بیش از حد، تلاش‌های را در

جهت ارائه‌ی رهنمودها و نیز توصیه‌هایی در جهت کاربرد بهتر و دقیق‌تر استانداردهای منتشرشده انجام دهند و از این طریق، به تهیه‌کنندگان اطلاعات حسابداری در تهیه‌ی هر چه بهتر و باکیفیت‌تر اطلاعات کمک نمایند.

✓ نتایج این تحقیق، موجب افزایش آگاهی سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری باکیفیت می‌شود و به آن‌ها پیشنهاد شود که با استفاده از این اطلاعات، از اتلاف منابع کمیاب اقتصادی جلوگیری به عمل آورند. همچنین، به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود که در انتخاب پروژه سرمایه‌گذاری و به‌ویژه، نوع و میزان سرمایه‌گذاری، از اطلاعات حسابداری استفاده کنند.

✓ پیشنهاد می‌گردد که سرمایه‌گذاران به‌هنگام تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی به عواملی چون ویژگی‌ها کمیته حسابرسی توجه کافی داشته باشند.

✓ همچنین، به سازمان بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌گردد که در اجرای نمودن کمیته حسابرسی در شرکت‌ها فشار بیشتری اعمال نماید تا کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، فعالیت‌های مرتبط با کمیته حسابرسی را افشا نمایند.

✓ استفاده از حسابرسان زن در کمیته حسابرسی و در نظر گرفتن تنوع جنسیتی برای افزایش کیفیت حسابرسی در مؤسسات

پیشنادهایی برای تحقیقات آتی

در حوزه پژوهشی به محققان آتی پیشنهاد می‌شود که در موضوعات زیر به تحقیق بپردازند.

- بررسی تأثیر جنسیت حسابرسان بر ثبات اخلاقی و حرفه‌ای حسابرس
- بررسی تأثیر جنسیت بر دستمزد پرداختی به حسابرسان
- نقش تجربه و تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر کیفیت حسابرسی
- داده‌های استخراج‌شده از صورت‌های مالی شرکت‌ها از بابت تورم تعدیل نگردیده‌اند. لذا پیشنهاد می‌شود که آیندگان در بررسی‌های خود از تعدیل اطلاعات مذکور استفاده کنند که ممکن است نتایج متفاوتی از نتایج فعلی حاصل شود.

منابع

- باد آورنده‌ی، یونس؛ تقی زاده، وحید (۱۳۹۲). ارتباط کیفیت حسابرسی و مدیریت مصنوعی و واقعی سود. تحقیق‌های کاربردی در گزارشگری مالی سال دوم، شماره ۳، پائیز و زمستان، صص: ۴۸-۷۹
- تختائی، ن، تیممی، م؛ و موسوی، ز. (۱۳۹۰). "نقش کمیته حسابرسی در کیفیت گزارشگری مالی فصلنامه حسابدار رسمی، (۱۵)، ۴۵-۵۶.
- حساس یگانه، ی؛ و حسینی بهشتیان، م. (۱۳۸۱). تأثیر وجود کمیته حسابرسی بر حسابرسی مستقل و کنترل داخلی و گزارشگری مالی. مطالعات بهبود و تحول، ۲ (۳۵): ۶۷-۹۰
- داداشی، ایمان، نوروزی، محمد. (۱۳۹۷). ارائه مدلی برای تبیین اثربخشی کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی مبتنی بر معادلات ساختاری. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۸ (۴)، ۲۵۱-۲۷۲.
- زرین ساز سرخابی، فیروزه، نویدی عباسپور، ابراهیم. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر اثربخشی کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی بر کیفیت افشای داوطلبانه. چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۳ (۳۱)، ۷۵-۹۰.

- مرادزاده فرد، مهدی، نوروزی، محمد، محرم زاده، ناهید. (۱۳۹۶). اثربخشی کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی: آزمون تجربی رویکرد نظارتی. پژوهش های نوین در حسابداری و حسابرسی، ۱(۴)، ۱۷۷-۱۹۸.
- ودیعی نوقایی محمدحسین، نوروزی محمد، قدرتی زوارم عباس، تیمورپور سهیلا (۱۳۹۸) بررسی نقش تعدیل گر کیفیت حسابرسی بر ارتباط بین اثربخشی کمیته حسابرسی و مدیریت سود. دانش حسابرسی. ۱۹ (۷۴): ۱۰۷-۱۲۶
- یوسفی اصل، فرزانه، رجب دری، حسین، سیدمحسنی، امین. (۱۳۹۷). بررسی رابطه ویژگی های کمیته حسابرسی و کیفیت سود با نقش تعدیل گر کیفیت حسابرسی در شرکت های با مالکیت متمرکز. پژوهش های نوین در حسابداری و حسابرسی، ۲(۴)، ۳۳-۵۴.
- Allavi Tabari, S. H. & Asabakhsdh, R. (2010), The role of Audit Committee and Its Barriers and Utilization In Iran, *Accounting advances*, 2(1), 155-177
- Bedard, J., Chtourou, S.M. & Courteau, L. (2004), The Effect of Audit Committee Expertise, Independence, and Activity on Aggressive Earnings Management, *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 23(2), 13-35.
- Cohen, J. R., Hoitash, U., Krishnamoorthy, G., & Wright, A. M. (2014). The effect of audit committee industry expertise on monitoring the financial reporting process. *The Accounting Review*, 89(1), 243-273.
- Damak, S. T. (2018). Gender diverse board and earnings management: evidence from French listed companies. *Sustainability Accounting, Management and Policy Journal*.
- Davidson, D. J., Currie, A. J., Reid, G. S., Bowdish, D. M., MacDonald, K. L., Ma, R. C., ... & Speert, D. P. (2004). The cationic antimicrobial peptide LL-37 modulates dendritic cell differentiation and dendritic cell-induced T cell polarization. *The Journal of Immunology*, 172(2), 1146-1156.
- Davidson, R., Xie, B. and Xu, W. (2004). "Market Reaction to Voluntary Announcements of Audit Committee Appointments: The Effect of Financial Expertise". *Journal of Accounting and Public Policy*, 23 (1): 102-253.
- Etemadi, H. & Shafakhebari, N. (2012), The Effect of Free Cash Flow on Earnings Management and Audit Committee role, *Journal of Financial Accounting*, 3(10), 18-24
- Ghafran, C., & O'Sullivan, N. (2017). The impact of audit committee expertise on audit quality: Evidence from UK audit fees. *The British Accounting Review*, 49(6), 578-593.
- Harris, M. K., & Williams, L. T. (2020). Audit quality indicators: Perspectives from Non-Big Four audit firms and small company audit committees. *Advances in Accounting*, 50, 100485.
- Ho, S. S., Li, A. Y., Tam, K., & Zhang, F. (2015). CEO gender, ethical leadership, and accounting conservatism. *Journal of Business Ethics*, 127(2), 351-370.
- Jamei, R. & Rostamiyan, A. (2016), The Effect of Audit Committee Financial Expertise on Properties Earnings Forecasts, *The Financial Accounting and Auditing Researches*, 8(29), 1-17
- Johnson, J. L., Daily, C. M. and Ellstrand, A. E. (1996) Boards of directors: A review and research agenda, *Journal of Management*, 22, 409-38.
- Kao, M. F., Shiue, M. J., & Tseng, C. H. (2021). Voluntary audit committees, auditor selection and audit quality: evidence from Taiwan. *Managerial Auditing Journal*.
- Krishnan, G., & Visvanathan, G. (2009). Do auditors price audit committee's expertise? The case of accounting versus nonaccounting financial experts. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 24(1), 115-144.
- Lai, K. M., Srinidhi, B., Gul, F. A., & Tsui, J. S. (2017). Board gender diversity, auditor fees, and auditor choice. *Contemporary Accounting Research*, 34(3), 1681-1714.

- Langevoort, D. C. (2007). The social construction of Sarbanes-Oxley. *Michigan Law Review*, 105(8), 1817-1855.
- Li, D (2007). Auditor tenure and accounting conservatism. PhD Thesis, Georgia Institute of Technology
- Lin, J.W. & Hwang, M.I. (2010), Audit Quality, Corporate Governance and Earnings Management: A Meta-Analysis, *Int. J. Audit*, 14(1), 57-77
- Massimo, G. C., Annalisa, C. & Samuele, M. (2014), Ownership Structure , Horizontal Agency Costs and the Performance of High-Tech Entrepreneurial Firms, *Small Business Economics*, 42(2), 265-282.
- Oradi, J., & Izadi, J. (2019). Audit committee gender diversity and financial reporting: evidence from restatements. *Managerial Auditing Journal*.
- Park, B. J. (2019). Audit committees and managerial influence on audit quality: 'voluntary' versus 'mandatory' approach to corporate governance. *Australian Accounting Review*, 29(1), 266-280.
- Pucheta-Martínez, M. C., & De Fuentes, C. (2007). The impact of audit committee characteristics on the enhancement of the quality of financial reporting: An empirical study in the Spanish context. *Corporate governance: An international review*, 15(6), 1394-1412.
- Terjesen, S., Sealy, R., & Singh, V. (2009). Women directors on corporate boards: A review and research agenda. *Corporate governance: an international review*, 17(3), 320-337.
- Wang, C., Xie, F., & Zhu, M. (2015). Industry expertise of independent directors and board monitoring. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 50(5), 929-962.
- Zuhroh, S. (2020). THE EFFECT OF AUDIT TENURE, AUDIT ROTATION, FIRM SIZE AND AUDIT COMMITTEES ON AUDIT QUALITY WITH SPECIALIST AUDITORS AS MODERATORS IN REAL ESTATE & PROPERTY COMPANIES IN 2013-2018. *International Journal of Public Budgeting, Accounting and Finance*, 3(1), 167-177.

Investigating the impact of the audit committee on audit quality by considering the type of industry, legal considerations and gender diversity

Seyed Reza Ghazi Fini
Zohreh Ebrahimian Mashhadi

Abstract

The audit committee is considered as one of the strategic pillars of the firm and is a determining factor in the financial reporting process that increases the credibility of the audited financial statements. Evidence from Tehran Stock Exchange companies) To achieve this goal, a sample consisting of 139 companies listed on the Tehran Stock Exchange during the years 2015 to 2021 was considered. In this regard, using EVIEWS software version 10 and using combined data and multivariate linear regression method, we proceeded to test the hypothesis. The results of the hypothesis test showed that there is a relationship between auditing industry expertise and audit quality. Found positive while the relationship between the auditor's legal expertise and audit quality Gender diversity of the audit committee and audit quality was not confirmed.

Keywords

Gender Diversity, Audit Committee, Audit Quality, Audit Industry

